تحلیلی برعوامل ژئوپلیتیک درناحیه فرهنگی خراسان بزرگ

سید یحیی صفوی [۱]، زهرا پیشگاهی فرد [۲]، حسین عرب [۳]

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۱/۳۱

چکیده

خراسان بزرگ که در طول تاریخ ایران نامی سنتی و کلی برای اشاره به نواحی شرقی ایران امروزی و بخش عمده ای از کشور افغانستان و کشورهای تاجیسکتان قزاقستان ازبکستان، ترکمنستان و بخشهایی از قرقیزستان امروزی بوده است همین امروز نیز با قدری اغماض این منطقه بزرگ را می توان یک ناحیه بزرگ فرهنگی نامید، که مرزهای آن تا مرزهای شمالی و شرقی کشورهای مذکور توسعه می یابد و در بسیاری از شاخصه های فرهنگی دارای همبستگی و پیوستگی است. این قرابت فرهنگی بقدری عمیق و در عین حال گسترده است که از منظر هویت نیز به آسانی میتوان هویت های یکسان را در دوسوی مرزهای سیاسی تشخیص داد. به نظر میرسد اگر چه محدوده حاکمیت کشورها بوسیله مرزهای سیاسی ترسیم شده، لیکن جغرافیای انسانی منطقه مردم دو سوی مرزها را همچنان با هم مرتبط نگهداشته است و قومیت ها و فرهنگ مشترک منطقه ریشه در تاریخ مشترک آنان دارد.وجوه مشترک تاریخی، فرهنگی و مذهبی میتواند شرایط و زمینه مناسب و لازم را برای اشتراک مساعی و برقراری روابط پایدار و گسترش مبادلات فرهنگی و اقتصادی بین این کشورها را فراهم کند و فرآیند وابستگی متقابل موجب توسعه امنیت گردد.این تحقیق به منظور بررسی عوامل ژئوپلیتیکی دراین منطقه صورت گرفته است وبه این منظور با مطالعه منابع کتابخانه ای واینترنتی از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بهره برداری شده است.نتیجه تحقیق نشان میدهد این عوامل میتوانند با ملاحظاتی موجبات همگرایی در منطقه را فراهم اورند.درعین حال این منطقه محل تلاقی استراتژی ژئوپلیتیک قدرتهای جهانی ومنطقه ای است.

واژگان کلیدی

خراسان بزرگ، عوامل ژئوپلیتیک ، قدرتهای منطقه ای وجهان

---

[۱] استاد دانشگاه امام حسین(ع)
[۲] دانشیار دانشگاه تهران
[۳] دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی واحد علوم و تحقیقات(تهران) دانشگاه آزاد اسلامی

مقـدمه:

استان خراسان کـه از سـال ۸۳ بـه اسـتانهای خراسـان رضوی، شمالی و جنوبی تقسیم شـده بخشـی از منطقـه بزرگتری است که در تاریخ ایران زمین از آن به خراسان بزرگ یاد می شود و عرصـه ظهـور و سـقوط قـدرتها و حکومت هـا در تـاریخ گذشـته ایـران بـوده اسـت. ایـن محدوده سرزمینی با قدری اغماض هنوز هم یک ناحیـه فرهنگی وسیع را تشکیل می دهـد کـه مرزهـای آن تـا مرزهــای شــمالی و شــرقی کشــورهای ترکمنســتان، تاجیکستان، قرقیزستان و افغانستان توسعه می یابد و در بسیاری از شاخصـه هـای فرهنگـی دارای همبسـتگی و پیوستگی است. این منطقه بخش عمده فـلات ایـران را تشـکیل مـی دهـد کـه بـه واسـطه موقعیـت نظـامی و ژئوپلتیکی و تاریخی خود در تمام ادوار مورد نظر فاتحین و جهانگشیان بوده، شمالشرق ایران برای ایرانیان دروازه ورود بـه هندوسـتان و ترکمنسـتان و بـرای مهـاجمین دروازده ورود به ایران تلقی شده است. تمام حرکت های بزرگ تاریخی که در سرنوشت ایران اثرات بزرگی داشته با استفاده از معابر ایـن منطقـه صـورت گرفتـه و نقـش توپوگرافی منطقه به منظور هدایت متجاوز یا تغییر مسیرا و حائز اهمیت است.

عصر جهانی شـدن و ارتباطـات و اطلاعـات زمینـه مناسبی را بـرای تـرمیم وتقویـت و از سـرگیری روابـط تاریخی و فرهنگی بین شهرهای حاشـیه ای خراسـان و کشورهای همسایه در ناحیه فرهنگی خراسـان بـزرگ را فراهم کرده است. از سوی دیگـر ارزش موقعیـت ممتـاز ایران در ژئوپلتیـک دسترسـی ایـن کشـورها کـه همـه درخشکی محصور هستند، بیش از پیش روشن گردیده و فرصت مناسبی است که دست آوردهای مثبت امنیتی در ابعاد چندگانه امنیتی برای ایران و منطقه فراهم می کند. مهم ترین و استراتژیک ترین مسیر بـرای ارتبـاط ایـن جمهوریها با بازارهای جهانی و انتقال انرژی آنهـا مسـیر ایران می باشد. از طرفی آسیای مرکزی بعنـوان یکـی از مهم ترین مناطق استراتژیک جهان درقلـب اور آسـیا بـا منابع سرشار نفت و گـاز و جمعیـت قابـل توجـه، دارای منافع فراوان اقتصادی برای ایران است. یکـی از مزیـت های بسیار با اهمیت این منطقه از منظـر امنیتـی بـرای ایران ایجاد حائل میان روسیه و ایران است.

سوال وروش تحقیق

باتوجـه بـه موقعیـت حسـاس منطقـه اسـیای مرکـزی ومجاورت ان با بیضی استراتژیک انـرژی جهـان سـوال این است که عوامل ژئوپلیتیک این منطقه چگونه اسـت ؟ وچه پتانسیلی را در جهت همگرایی منطقه ای فـراهم میکند؟ به این منظور از منابع کتابخانهای واینترنتی بهره بـرداری واز روش تحقیـق توصـیفی-تحلیلـی اسـتفاده گردیده است.

خراسان بزرگ

خراسان درطول تاریخ ایران زمـین نـامی سـنتی وکلـی برای اشاره به نواحی شرقی ایـران امـروزی و همچنـین بخش عمده ای از کشـورهای افغانسـتان، تاجیکسـتان، ترکمنســتان، ازبکســتان و بخــش‌هــایی از قرقیزســتان امروزی بوده است. یـک ناحیـه جغرافیـائی دارای چنـان وجوه اشتراکی در عوامل طبیعی، انسانی و فرهنگی است که از نواحی مجاورش کاملا متمایز میشود. در محـدوده وسیعی که از آن به خراسان بزرگ یاد می‌کنـیم، ظـاهراً، به لحاظ عوامل طبیعی وحتی انسانی هیچگونـه وحـدتی مشاهده نمی‌گردد. در این ناحیـه از لحـاظ طبیعـی حـد فاصل دریای خزر تا ارتفاعات فلات پـامیر، یـک ناحیـه یک دست طبیعی راتشکیل میدهد. که شامل کشورهای آسیای مرکزی میشود لیکن کل منطقه مورد نظر منطبق بر حوزهٔ فرهنگی خاصی است. خراسان بزرگ یک ناحیه ی فرهنگی وسیع اسـت کـه در بسـیاری از مؤلفـه‌هـای فرهنگی بافلات مرکـزی ایـران مشـترک ودر بعضـی از مؤلفـه هابـه عنـوان یـک خـرده فرهنـگ در حاشـیه‌ی فرهنگ فـلات مرکـزی قـرار مـی‌گیـرد. ایـران هویـت فرهنگی و تمدن خود را در میان قلمروهـای فرهنگـی و

تمدنی مجاور حفظ کرده است ودر سطوح گسل وتماس قلمرو ایران با سایر نواحی فرهنگی ترکیبی پدیدآمده است، که هویت آنها را خصلت‌های فرهنگی وتمدنی ایران و تمدن مجاورآن تشکیل می دهد. درلغت نامه دهخدا آمده است «کلمه‌ی خراسان واژه ای پهلوی است که در متون قدیمی به معنی (خاور) در مقابل مغرب (باختر) به کار رفته است، (لغت نامه دهخدا، ذیل ماده‌ی خراسان) یاقوت حموی جغرافیدان بزرگ ایران می-نویسد: «خُر به فارسی دری نام خورشید و آسان گویا اصل وجای شئیی است» بنابراین وی خراسان را جایی که خورشید از آن برمی‌آید معنی کرده است. جرجائی می‌گوید: «خُر» یعنی«همه – هر» و «اُسان» یعنی سهل پس خراسان یعنی هر چیزآسان و دیگران گفته اند، معنی خراسان به فارسی یعنی طلوع خورشید. در برهان قاطع خراسان به معنی مشرق آمده که درمقابل مغرب باشد ونام ولایتی مشهور هم هست. چون آن ولایت در مشرق فارس وعراق واقع است بنابراین آن را بدین نام خوانده اند.

لسترنج می‌گوید: «خراسان سرزمین طلوع آفتاب است. به تعبیردیگر «خور» خورشید و «آسان» طلوع می‌باشد. گویند خراسان به مفهوم مشرق وتجلی آفتاب است۱.

از بررسی نظرات ارائه شده چنین بر می‌آیدکه خراسان همان واژه خورآسان بوده که براثر تطور زمان وشاید راحتی تکلمّ وتطابق نگارش با گفتار نهایتاً به خراسان تبدیل شده است .

محدودهٔ جغرافیائی خراسان بزرگ

شواهد تاریخی نشان میدهد که سرزمین خراسان در طول تاریخ هیچگاه دارای مرزثابت جغرافیائی نبوده وتحت تاثیر عوامل مختلف محدوده اش همواره کاهش یا گسترش یافته است. یاقوت حموی در کتاب مرا صد الاضلاع بر پایه ی برخی از پژوهش‌های خویش می نو-یسد: «خراسان، سرزمین وسیعی است که یک طرف آن از جوین وبیهق به عراق عجم می رسد و طرف دیگرش از طخارستان و غزنه و سیستان به هند منتهی می‌گردد. از شهرهای آن نیشابور و هرات و مرو و بلخ و طالقان و نساء و ابیورد و سرخس می باشد. جیحون و خوارزم هم تابع آن شمرده می‌شود.

خراسان چهار کرسی دارد که عبارتند از :

کرسی اول: ایرانشهر که عبارت بود از نیشابور، قهستان و هرات و بادغیس و طوس که به طایران تصریح شده .

کرسی دوم: مروشا ه جهان و سرخس و نساء و ابیوردو مرو رود و طالقان و خوارزم .

کرسی سوم: طرف غربی رود جیحون وجرجان و خوارزم و طخارستان علیا و اندرانه شهری درنزدیک هندوکش وساسان و بغلدن ووالج.

کرسی چهارم: شامل : ماوراء النهر، بخارا و شانش که در آنجا کمانهای خوب می ساختند وسغد می‌باشد.۱

در مود حدود و موقعیت خراسان در عهد ساسانیان کریستین سن برطبق کاوشهای هرتسفلدچنین می-نویسد: «دروازه‌های کاسپین نزدیک ری،کوههای البرز، گوشه جنوب شرقی بحر خرز، دره اترک. خطی که از صحرای تجس گذشته و در زیر قرقی به جیحون می-رسد. موافق مسکوکات سکایی ساسانی که به دست آمده این خط سرحدی از قلل سلسله جبال حصار گذشته و به پامیر میرسد و از آنجا به سمت جنوب مایل گشته و به امتداد قطعه ای از جیحون که بدخشان را درمیان گرفته سیر کرده است و به قطعه هندوکش می‌رسیده است که از نقطه سرحدی به سمت مغرب برگشته ودراین امتداد سلسله هندوکش و ملحقات آنرا قطع به جنوب هرات رسیده ودر ناحیه جنوب ترشینز وخاف و قهستان، کوهستان را قطع کرده ، باز به دروازه های کاسپین می پیوسته است۲.

التون نیل نیز در کتاب تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان می نویسد : «به طور کلی می توان خراسان خاص راسرزمینی طولانی دانست ،گسترده از نزدیک

کرانه های جنوب شرقی دریای خزرتا بلندیها حصار پامیر و هندوکش که در نظریه‌ای دیگر ودر مقطعی از تاریخ مرزهای آن از حلوان یا ری تا شرق آنجا که خورشید بر می آید گسترده بوده است.در واقع خراسان گاهی شامل سرزمین پر نعمت دریای آرال (خوارزم) ونواحی آن سوی جیحون (ماورالنهر) و بسیاری از فلات ایران می شده است که حدود شرقی آن تا چین می‌رسیدولی عملاً این مرز از بلخ و بخش معروف طخارستان آن سوترمی رفت ودرمغرب به همین گونه حدود خراسان کمتر به مرزهای زاگرس می‌رسید. اما گاهی شامل قومس، جرجان، ری و بخشهایی از طبرستان می گشت وبا آن که ماورالنه غالباً با خراسان یکی گرفته می‌شد ولی عملاً آمو دریا همان مرز شمالی خراسان شناخته میشد و گاهی عملاً تا این حدود هم نمی رسید۳.

احمد بن یعقوب جغرافیدان قرن سوم هجری در کتاب «البلدان »در سال ۲۸۷(هـ -ق)تألیف شده تمامی مناطقی که امروزه بنام آسیای مرکزی خوانده میشود را بنام بخشی از خراسان بزرگ نام برده است.سالها بعد اصطخری در کتاب «المالک و الممالک »در سال ۳۴۰ هـ -ق به نگارش در آمده به مناطق آن سوی رودخانه جیحون (آمودریا) ماورالنهر گفته ودر قرن بعد که اسلام گسترش یافته وشمال ترکستان به تصرف مسلمین در آمد به این قسمت تصرف شده در شمال -ترکستان گفتند که همان توران باستان است . به گفته لسترنج :در سال ۳۱ هـ -ق اعراب روانه ی خراسان شدند وطی همین دوره ساکنان خراسان به اسلام گرویدند وسرزمین خراسان تا سال ۲۰۵ هـ -ق در تصرف خاندان عباسی بود. ایالت خراسان دردورۀ اعراب به چهار قسمت تقسیم میشد که هر ربع به نام یکی از چهار شهر بزرگ که کرسی آن ربع بود نامیده می‌شد و شامل ربع نیشابور، ربع هرات وربع بلخ می‌شد۴ . حدود این اربع چهارگانه باآنچه ازکریستین نقل کردیم با کمی اختلاف مطابقت دارد مه احتمالاً هردو از حموی نقل می کنند.

از نیمه دوم قرن ۱۹ جغرافیدانان و سیاحان اروپائی با توجه به عینیت های جغرافیایی و تقسیم بندیهای اقلیمی با درنظر گرفتن سلسله کوهها. رودهای بزرگ ودیگر موقعیت های زمین شناختی بخشی از قارۀ بزرگ آسیا را آسیای مرکزی نامیدند. که شامل پنج کشور آسیای مرکزی فعلی، سین کیانگ چین ،قسمت شمالی ،بخش غربی مغولستان، کشمیرو بخش شمال پاکستان افغانستان و بخشی از خراسان و مازندران ایران بود (ابوالحسن شیرازی ،۵:۱۳۸۲-۶)

از آنچه گفته شدنتیجه می شود گسترده خراسان بزرگ (به نقشه شماره -۱ مراجعه شود) علاوه بر استانها ی خراسان رضوی ،جنوبی وشمالی و گلستان ومازندران در ایران مناطق و شهرهای قندهار، بلخ، بادغیس، تخار، زابل، بخارا، کابل، هرات، سمرقند، عشق آباد، دوشنبه، کافرنهان، مرو، خوارزم، رانیز شامل میشود لذادر این تحقیق محدوده ای را که شامل »استانهای خراسان رضوی ،جنوبی ،شمالی و استانهای گلستان و مازندران در ایران وکشورهای افغانستان ،ترکمنستان ،تاجیکستان ،ازبکستان ،قزاقستان و بخشی از قرقیزستان را که تمام یا بخشهایی از آنها در طول تاریخ در محدودۀ خراسان بزرگ واقع میگردندبعنوان محدودۀجغرافیائی خراسان بزرگ معرفی و مطالعه می نمائیم (نقشه شماره- ۱) و از آنجا که این محدودۀ تقریباً بر تعریف آسیای مرکزی منطبق است ،این دو اصطلاح را مترداف تلقی می کنیم.



نقشه شماره -۱ محدوده جغرافیای خراسان بزرگ Source: www.worldmap.com

پیشینیه منطقه

بخشی از آسیا که مجاور اروپا قرار دارد به دو منطقه بزرگ تقسیم میشود: در مرکز و جنوب آن از مدیترانه تا دنیای چین وهند ،سرزمین هایی با تاریخ وفرهنگ های کهن وجود دارد که کشورهایی کهنسال ودارای تمدن های قدیمی کشاورزی بوده و سازنده امپراطوریها ی مدنی و شهری بوده اند، در شمال از مغولستان تا رودخانه دانوب زیستگاه بیابانگردان بوده و تمدنها ی شبانی در آنجا وجود داشته است. بین این دو منطقه پهناور جغرافیائی و طبیعی، ایران واسط و حدفاصل بوده و نقش اساسی ایفا کرده است .

رنه گروسه در همین مورد می گوید: ایران چه از نظر جغرافیای طبیعی و چه از لحاظ جغرافیای انسانی یک امپراطور میانه ،واقعی بوده و حتی در درون منطقه از نظر فرهنگی چنین موقعیتی را نسبت به سایر تمدنها ی غیر بیابا نگرد داشته است، زیرا در میان بحر خزردرشمال و خلیج فارس درجنوب ایران از شرق تا غرب به مثابه پلی بوده که جلگه بین النهرین را به جلگه گنگ در هندوستان متصل ساخته و بین تمدنهای آسیای مقدم از یک سو ودنیای چین و هنداز سوی دیگر ارتباط برقرارمی کرده است.

ایران از سمت خراسان و باکتر یا محل تماس بین تمدنها ی کهنسال ودنیای استپ ها بوده و گذر گاهی به شمار میرفته است که طوایف بیابا نگرد آسیای علیا هرچند وقت یکبار از شنزارهای ترکمنستان و ازبکستان از آنجا به قصد تسخیر آسیای مقدم یا هند روانه میشدند و لذا حاشیه شمالی فلات ایران ،ائم از ماوراء قفقاز. وماوراء النهر با دنیای پهناور استپها پیوند یافته بود .ایرانیان تاریخی یعنی آریائی‌های اصلی از آن نقاط به فلات ایران سرازیر گشته و قسمت اعظمشان در داخل فلات ایران مستقر و نام ایران را برآن نهادند .

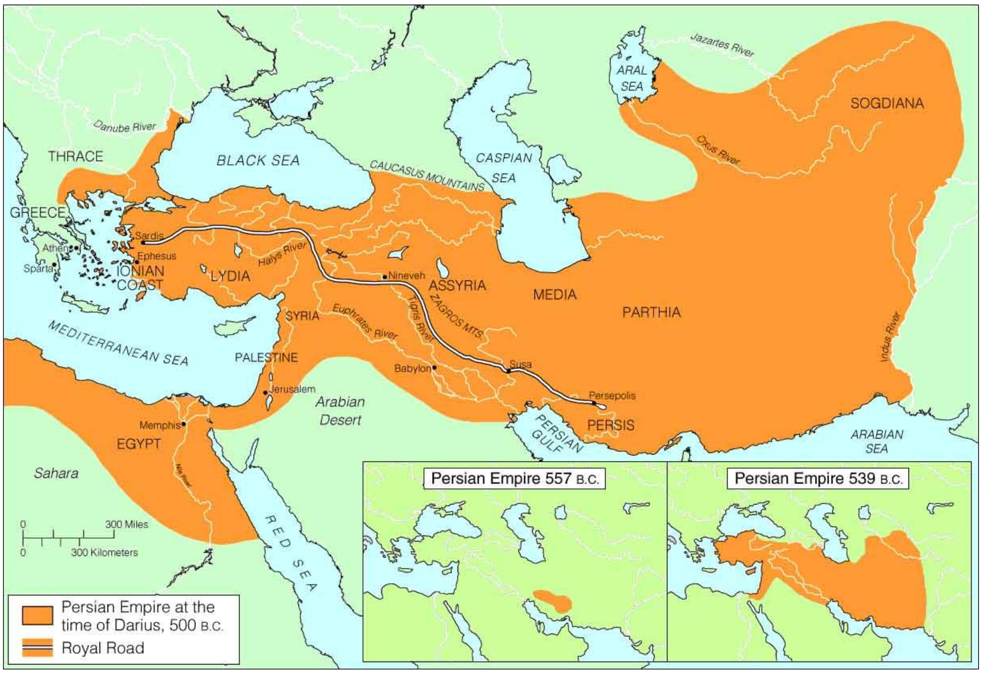
گروسه معتقد است: قدر متیقن آن است که بنیانگذار کیش بزرگ ایرانی عصر مادها یا به طور صحیح تر پیش از آن احتمالاً قرن هفتم قبل از میلاد بوده است. اما گاتها که کهن ترین قسمت اوستاو ظاهراً بیانگر اندیشه-های خود زرتشت یا شاگردانش است، به گویش (ایران شرقی) نوشته شده و از این رو می‌توان نقطه‌ای بین خراسان و باکتریا را موطن و محل نشو ونمای وی دانست.

به باور وی ایران شرقی کمابیش همچون ایرانی غربی که خاستگاه خاندانها یی چون ماد و هخامنشی و ساسانی بوده، در مواقعی در تاریخ ایران نقش اساسی داشته ،خاصه اینکه از نفوذ های سامی به دور بوده و لذا مدتهای مدید ایرانیت اصیل را حفظ کرده است .او می گوید: داخله این قسمت شرقی از سمت شمال و شمال شرقی به فضایی نامحدود منتهی میشود . ترکستانهای کنونی (ترکستان روس و ترکستان چین) در آن زمان ایران خارجی به حساب می آمدند ونه تنها ایرانیت بر آنها حاکم بوده ، بلکه چیزی جز ایزانیت در آنجا وجود نداشت ۳.او آسیای قدیم را باکتری سابق یا همان منطقه هرات وبلخ ومرغیانا منطقه مرو و جنوب ترکمنستان کنونی و همچنین سغدیان ازبکستان کنونی و خوارزم معرفی می کند .در شاهنامه فردوسی از این مناطق به توران یاد می شود ،در ابتدای شاهنامه ودر بخش تاریخ اساطیری آن حکیم توس شرح حکومت فریدون شاه ایرانی و فرزندانش ایرج و تور و سلم را می دهد. این اشعار می‌تواند یکی از دلایلی باشد که گستره نژاد هند و ارپائی را بیان کرده و هم نژادی ساکنان بخشی از اروپا ایران و هند را نشان می دهد. در این حکایت فریدون پادشاه ایرانی سه فرزند دارد بنام ایرج، توروسلم که جهان آنروز را که در حیطه حکمرانی وی قرار داشته، بین این سه تقسیم می‌کند. منطقه روم و خاور را به سلم می‌سپارد و سرزمین ترکان و چین را به تور میدهدو ایرج را نیز که جوانتر بوده است به امیری ایران برمی‌گزیند . رنه گروسه می گوید: درشاهنامه از این سرزمین صحرانوردان یا امپراتوری استپ به عنوان توران یاد میشود و از ایرج و تور،قهرمانان شاهنامه که ایران و توران از نام آنان مشتق میشود به عنوان برادران دشمن نام برده میشود – تورانیان گرچه بیابا نگرد یانیمه صحرا نورد بودند، دقیقاً از نژاد ایرانی بودند و آنها که سکاها،سرمتها یا ساسها و غیره نام داشتند درعصر روم و یونان ازسغد تا مرز چین پراکنده بودند. وجه تمایز این برادران دشمن نحوه معیشتشان بوده چه ساکنان ایران ازمدتها پیش شهرنشین وکشاورز شده وبروفق تعالیم زردتشت به بهره برداری از زمین،آبیاری وکشت وزرع اشتغال داشتند و حال آنکه تورانیان به ییلاق و قشلاق همراه با رمه های خود در استیهای بیکران روان بودند.

یکی از مضامین اصلی شاهنامه نبرد هزاران ساله‌ای است که در طی قرون واعصار وسلسله های پادشاهی مختلف ادامه داشت، یعنی جنگ میان ایران وتوران، این تضاد از دوران باستان پدید آمده بود ،چرا که در آن اوقات توران هنوز عرصه جولان وسکونتگاه سکاها یا ساسها بود واینان باآن که تاآن زمان از تخمه ایرانی بودند، شرایط زندگی خانه بدوشی آنان را به معاندت با امپراتوریهایی که در سرزمین ایران ایجاد شده و ساکنانشان مستقر در یک جا بودند برمی انگیخت. و آنها برادرانی دشمن به شمار می آمدند.

در دوران هخامنشیان ایران به کشورهای تابع تقسیم و هر کشوری با فرماندهی جاکمی به نام خشتر وان ادارهٔ می شد. این واحدها به یونانی ساتراپ نیز نامیده میشد. ساتراپی برشکوه به نام ایالت شانزدهم شامل پارتها، خوارزمیها، سغدی‌ها و هراتی‌ها باشمال خراسان قدیم منطبق بود و از طرف غرب دردربند دریای گرگان با ساتراپی ماد همسایه بوده است به گفته هرودوت ،پارت-ها و خوارزمیان، سغری وآرین ها (هراتی) دریک ساتراپی قرار داشته‌اند ودرتمام کتیبه‌های میخی، ذکر اسامی و ایالات، نام مملکت پارت آورده شده است۳. از ۳۲۳ تا۳۱۲ قبل از میلاد این منطقه بخشی از امپراطوری روم است پس از مرگ اسکندر دیورتوس حاکم یونانی بلخ راه استقلال در پیش گرفت و پارت وگرگان استقلال یافتند. پس از سقوط دولت سلوکی و

قدرت گرفتن اشکانیان پارت هادر سرزمین کوهستانی جنوب شرقی دریای خزر ساکن شدند. این منطقه از شمال به دشت استرآباد وصحرای ترکمنستان واز جنوب به کویر نمک محدود میشده و از طرف شرق تا هرات امتداد داشت. که مرکز خراسان باستان یا ایالت پارت در آغاز شهر نساء بوده است وبعضی از مناطق خراسان بزرگ بصورت امیرنشینان مستقل ادارۀ می شدند. در واقع بزرگترین قیام تاریخی مردم خراسان، قیام اشک اول بود، که منجر به رهایی ایران از سلطه یونانیان گردید. سلسله سلوکی برچیده شدو سلسله ملی اشکانیان را پای گذاری کردند و در واقع امپراطوری هخامنشیان را احیاء کردند.اگرچه در این دورۀ هرگز وسعت ایران به دورۀ هخامنشیان نرسید . پس از حدود ۴۰۰ سال این سلسله نیز توسط ساسانیان در سال ۲۴۱ پس از میلاد جایگزین شد. (به نقشه شماره -۲) مراجعه شود.



نقشه شماره -۲: حدود امپراتوری ایران قبل از اسلام Source: www.worldmap.com

و در عهد ساسانیان خراسان بزرگ یکی از چهار ایالت اصلی ایران را تشکیل میداده است. التون نیل در این باره می گوید: «ساسانیان خراسان را یکی از چهاراستان کشور می دانستند و آنرا سرزمین شرق می گفتندو این استان به چهار بخش تقسیم می شد.۲ خراسان تقریباً به مدت ۲۰۰ سال تحت حکومت های عرب بنی امیه وعباسیان ادارۀ شدتا اینکه در سال ۲۰۵ هـ -ق به دست سلسله طاهریان استقلال یافت. این منطقه در سال ۲۸۳ هـ -ق جز ومتصرفات دولت صفاریان شد. چهارسال بعد امیر اسماعیل سامانی بر عمرولیث صفاری غلبه کرد و خراسان جزوقلمرو سامانیان گردید.سلطان محمود غزنوی در سال ۳۸۴ هـ-ق خراسان را تصرف و۴۵ سال برآن حکومت کرد. در سال ۴۲۹ هـ -ق طغرل اول، نیشابور را تصرف و آن جا را مرکز حکومت خود قرارداد و خراسان تا سال ۵۵۲ هـ-ق در قلمرو سلجوقیان قرار داشت.

پس ازمرگ سلطان سنجر سلجوقی این سرزمین به دست خوارزمشاهیان افتاد. با حمله مغول ها در قرن هفتم هـ -ق بسیاری از شهرها وآبادی های خراسان ویران شد. این سرزمین کهن درسال ۸۷۳ هـ ق به تصرف پادشاهان گورکانی در آمد و۴۰ سال بعد ازبک ها به رهبری شیبک خان خراسان را مورد تهاجم قراردادند. شاه اسماعیل صفوی به دفاع از این بخش از سرزمین ایران در مقابل ازبک پرداخت، تاسرانجام شاه عباس صفوی توانست، آن هارا تا فراه رودعقب براند. در دورۀ افشاریه پایتخت ایران در این ناحیه قرار داشت، لیکن با مرگ نادر شاه در سال ۱۱۶۰ بخش های شرقی این سرزمین یعنی هرات و بلخ به تصرف احمد شاه دارنی درآمد. درنهایت دردورۀ قاجاربادخالت انگلستان طی عهد نامه پاریس ایران متعهد شد از دعاوی و حق حاکمیت خود به سرزمین های شرقی خراسان چشم پوشی کند و بدین ترتیب یک سرزمین و دولت حائل ،جدا کننده ی هند انگلیس وروسیه در محل کنونی کشور افغانستان بوجود آمد(به نقشه منطقه مراجعه شود)

بخش شمالی خراسان یعنی مرو، سمرقند، بخارا، خوارزم و... نیز دردوران قاجاریه مورد تهاجم روس ها و ترکمن ها قرار گرفت ودرسال ۱۲۹۹ هـ -ق طی عهد نامه آخال میان ایران و روسیه که رود اترک رامرز ایران قرار میداد، از بدنه ی فلات ایران جدا گردید. تاجیکستان زیباترین دورۀ تاریخی اش را در دوره ی ایرانی سامانیان ثبت وتجربه کرده است . بنابراین استان خراسان که از سال ۸۳ خود به سه استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی تقسیم گردید، بخشی ازمنطقه بزرگتری است که در تاریخ ایران زمین از آن به خراسان بزرگ یاد می شود و عرصه ظهور و سقوط قدرتها و حکومت ها در تاریخ گذشته ایران بوده است.

یافته های تحقیق:

جغرافیای سیاسی ناحیه خراسان بزرگ

گفته شد ناحیه ای که آن را خراسان بزرگ می نامیم اکنون منطقه ای است که در نقشه سیاسی جهان، مرزها ی سیاسی ایران، افغانستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان و ازبکستان هر کدام بخشی از آن رادر خود جای داده اندو لذا مطالعه جغرافیای سیاسی این ناحیه مستلزم بررسی جغرافیای سیاسی این کشورها ست به دیگر سخن مطالعه جغرافیای سیاسی این هفت کشور به معنی مطالعه این ناحیه است،زیرا تمام یا بخشی از این کشورها هستند که خراسان تاریخی را تشکیل میداده اند.

واقعیت آن است که در حوزه تمدن ایرانی سه کشور افغانستان ،تاجیکستان و جمهوری آذربایجان دارای گسترده ترین اشتراکات فرهنگی و تاریخی با ایران هستند و این اشتراکات آنقدر زیاد است که به عنوان مثال وقتی ایرانیان با مردمان آن سوی اترک وارس ارتباط برقرار می کنند چندان تفاوتی، بین آنها با خود نمی‌بیند و این تنها مربوط به ایرانیان ساکن در مناطق مرزی نیست بلکه حتی کسی که زادگاهش پایتخت ایران باشد نیز چنین پیوند و اشتراک نزدیکی را حس خواهد کرد. از نظرقیافه وشکل ظاهر، بسیاری از از آداب رسوم اجتماعی، از نظر فرهنگ وشعر وموسیقی و دهها موضوع دیگر این اشتراکات به عیان قابل مشاهده است و ایرانیان گویا بخشی از هموطنان خود را در آنسوی مرز می‌بینند. درتاجیکستان و ازبکستان به رودکی شاعر پارسی گوی بزرگ ایران فخر می وزند، مردم افغانستان و حتی نواحی شرقی ترکیه عارف وشاعر بزرگ ایران زمین یعنی مولوی را نه تنها مورد ستایش قرار میدهند بلکه اورا متعلق به فرهنگ خود می دانند نام مولوی باالقاب رومی یامولوی بلخی شنیده می شود. (نقشه ۳ حوزه تمدنی ایرانی)



نقشه شماره ۳: حوزه تمدنی و فرهنگ ایرانی Source: www.worldmap.com

سید حسن نصردر همین مورد می گوید: شاید از ایرانیها تعجب کنند که وقتی مجسمه لنین رادر دوشنبه پایین آوردند، مجسمه ابن سینا را به جای آن قرار دادند.کمترکس بین ایرانیان آگاه بود که تاجیکها تا این حد به افرادی که درخاک فعلی ایران، زندگی می کردند علاقه مندند و آگاه به وطن بزرگتر فرهنگ ایران هستند.

این منطقه بزرگ در بسیاری از شاخصه‌های فرهنگی دارای همبستگی و پیوستگی است. امروزه هر ایرانی باشنیدن نام سمرقند و بخار بلخ سرو، عشق آباد، نساء، خوارزم، سیحون و جیحون و تاشکند بخشی از هویت تاریخی خودرابه یاد آورده احساس ویژه ای رادورن خود تجربه می‌کند. مختوم قلی این ترکمن اصیل ایرانی در گلستان ایران مدفون است وحال آنکه ارادت ترکمانان ترکمنستان به وی کاملاً مشهود است. هنوز آیین شاهنامه خوانی بخشی از سرگرمی اوقات فراغت مردم تاجیک وافغان وحتی قرقیز راتشکیل می دهد.آن ها به حکیم توس که زنده کننده ی زبان فارسی است به همین دلیل ارادت می ورزند و جالب آن است که این مردم به واسطه ی اختلاط زبان فارسی وعربی بر ایرانیان فارسی زبان خرده می گیرند،که پارسی را به کفایت پاس نداشته اند.این قرابت فرهنگی به قدری عمیق ودرعین حال گسترده است که از منظر هویت می توان به آسانی هویت های یکسان را در دوسوی مرزهای سیاسی تشخیص داد.

تهرانیان در این باره می گوید: این پیشینه تاریخی برای درک این مسئله، که چگونه آسیای مرکزی (بخش عمده خراسان بزرگ) به یک چهار راه تجارت و مبادلات فرهنگی تبدیل شد . ضرورت دارد. از طریق جاده ابرایشم بازرگانان شرق و غرب به دادوستد کالای خود پرداختند . همزمان عالمان فارغ از تمام قید و بندها ی سنتی ،سیاسی و مذهبی، حکمت خود را به دیگران انتقال دادند.در دیدارهایی که من در ۱۹۷۱ از افغانستان ودر ۱۹۹۲ و۱۹۹۴ از آسیای مرکزی انجام دادم شاهد شکوه این میراث چند فرهنگی بودم . در ساحل آمودریا

در مرز افغانستان و شوروی سابق شاهد ویرانه ها ی تمام وکمال دولت شهرهای یونانی بودم.

در دشت وسیع با میان که باکابل چندین کیلومتر فاصله دارد. شاهد مجسمه هایی عظیم از بودا بودم، که آنها را دردل کوهها کنده بودند و ارتفاع بلندی آنها به ۵۳ متر میرسد. معابد راهبان در پشت مجسمه ها قرار داشت. دشت بامیان نیز خود برای هزاران و حتی میلیونها زایر بودایی، نقش تجمع گاهی را داشت که از سراسر آسیا به آنجا می آمدند تادر کنار یکدیگر به نیایش بپردازند. هنگامی که اسلام در قرن ۷ میلاد پابه این منطقه گذاشت، جز آنکه باتمام سنتهای فرهنگی سابق آیین هند، آیین بودا، آیین تائو هلن ایسم و آیین-های ایرانی (زردتشتی، مهرپرستی، مانویت، مزدکی گری) وارد گفتگو شود، انتخاب دیگری نداشت . بدین گونه اسلام دست آوردهای مذهبی و فرهنگی اقوام سامی،کلیمیان ،مسیحیان و مسلمانان را با خود به این منطقه غنی فرهنگی به همراه آورد. صوفیگری از تلفیق این فرهنگها وتمدنها حاصل آمد و گرچه از نمادها و استعارات اسلامی استفاده کرد ولی محتوی آن کاملاً چند فرهنگی وحاصل وحدت ادیان بود.

بخش داخلی ایران

از آنجا که منظور ما بررسی جغرافیای سیاسی خراسان بزرگ می باشد، بنابراین هر سه استان خراسان را درمجموعه ای واحد خراسان ایران بررسی می کنیم. طبق تقسیمات سیاسی سال ۱۳۷۸ کشورکه طبس نیز جز و استان خراسان بوده است مساحت این استان به عنوان پهناور ترین استان ایران ۳۰۳۹۹۶ کیلومتر مربع یعنی ۱۸/۶٪ وسعت کشور ایران بوده است که درسال ۱۳۸۱ پس از جدا شدن طبس مساحت این استان به۲۴۷۶۱۸/۳ کیلومتر مربع یعنی ۱۵/۱ مساحت کشور رسیده است. مساحت استان خراسان به تنهایی برابر بامساحت ۷ کشور اروپائی مثل سویس و اتریش، دانمارک، هلند، بلژیک و لوکزامبورگ و چک است. این استان به تنهائی ۱۴ برابر کویت ۲۲/۵ برابر قطر و ۳۶۴ برابر کشور بحرین مساحت دارد و جالب اینجاست که مساحت این (استان ۱/۷ برابر کشور بنگلادش با ۱۳۲ میلیون توجمعیت می‌باشد .

جدول شماره ۱:خراسان

وسعت	جمعیت	تعداد شهرستان	تعداد بخش	تعداد دهستان	تعداد شهر	طول مرزها	کشورهای همجوار
۲۲۷۶۱۸/۳ کیلومتر مربع		۲۵	۸۸	۳۱۸	۸۵	۱۳۷۱/۱ کیلومتر	افغانستان در شرق ترکمنستان در شمال

بخش خارجی خراسان بزرگ :
شامل کشور افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی

آسیای مرکزی در مختصات جغرافیائی ۳۵تا ۵۵ درجه غربی شمالی و ۴۷ تا ۸۷ درجهٔ طول شرقی واقع شده است .این ناحیه از غرب با بخش اورپایی قارهٔ آسیا از شرق با آسیای شرقی، از جنوب با خاورمیانه و از شمال با سیبری هم مرزاست. بنابراین کشورهای همجوار با آسیای مرکزی عبارتنداز: در شمال و مغرب روسیه در جنوب ایران و افغانستان ودر مشرق چین، این ناحیه باحدود چهار میلیون کیلومتر مربع وسعت پنج جمهوری ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان را در بر می‌گیرد.

سلسله مراتب تقسیم سیاسی در شوروی سابق به ترتیب اهمیت عبارت بود از: جمهوری، جمهـوری خـود مختـار، اُبلست، رایون، نقـاط شـهری، رایـون در نقـاط شـهری، شهرک و مجتمع های روسـتایی، پـس از اسـتقلال نیـز همین سلسله مراتب تقسیمات سیاسی به عنوان میراثـی از نظام شوروی برجای مانده و درحـال حاضـر فقـط دو کشور تاجیکسـتان و ازبکسـتان جمهـوری خـود مختـار دارند. در سایر کشورها ابلستها که در واقع همان مفهـوم استان در ایـران را دارنـد، بزرگتـرین واحـد سیاسـی بـه شمارمیروند .مجموع کشورهای آسیای مرکزی متشـکل از دو جمهوری خودمختار و۴۶ استان می‌باشند. جمهوری خودمختار گورنو بدخشان یا بدخشان کوهستانی در شرق تاجیکستان و جمهوری خود مختـار قراقالپـاق در غـرب ازبکستان واقعند .

قزاقستان ۱۹ استان ،ازبکسـتان ۱۶ اسـتان ،قرقیـز ستان ۱۶ استان و ترکمنسـتان و تاجیکسـان هرکـدام ۵ استان دارند. در میان شـهرهای مهـم آسـیای مرکـزی، مراکز آنها یابه عبارتی پایتخت آنها بزرگترین و مهمترین شهر به شمار می‌آیند۱ . پایتخـت جمهوریهـای آسـیای مرکزی ،همگی در نزدیکی مرزهای آنها قرار دارند و تـا شکند با بـیش از دو میلیـون تفرجعیـت بزرگتـرین آنهـا محسـوب میشـود. بـرخلاف قزاقسـتان در سـایر جمهوریهای آسیای مرکزی بیشتر شهرهای مهم سـابق تـاریخی طـولانی دارنـد، کـه اغلـب بعنـوان بخشـی از خراسان بزرگ سـابقه ای چنـد هـزار سـاله در تـاریخ و فرهنگ و حوزه تمدن ایرانی دارند. بخارا، سمرقند، مـرو، خیوه، خجند، تاشکند، اوکی، نارین و چارچو از این جملـه اند. همه این کشورها پس از فرو پاشی شوروی به عنوان کشوری مسـتقل بـرروی نقشـه سیاسـی جهـان ظـاهر گردیده اند بنابراین هر یک از پنج کشور آسیای مرکـزی ۲۰ سال سابقه کشور داری دادند.

کشور افغانستان نیز همانگونه کـه قـبلاً گفتـه شـد، براساس معاهده پـاریس از سـال ۱۲۷۳ هجـری قمـری رسماً از کشور ایران جدا گردیـد. بنـابراین سـابقه ای در حدود ۱۵۵ سال کشور داری را تجربه کرده است اگرچـه عملاً از سال ۱۱۶۰ هجری قمری یعنی بلافاصله پس از قتل نادر شاه یکی از سرداران نـادر بـه نـام احمـد خـان ابدالی اردوگاه نادر را ترک و علم طغیان برافراخته خود را احمد شاه خواند. از این تاریخ درواقع بخـش عمـده‌ای از افغانستان از کنترل حکومت مرکـزی خـارج شـده بـود. افغانستان دارای ۶۴۹/۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت بوده و از شـمال بـا جمهوریهـای تاجیکسـتان، ازبکسـتان وترکمنستان هم مـرز مـی باشـد ،ایـن کشـور در شـرق وجنوب با کشور پاکسـتان و از سـمت شـمال شـرقی از طریق تنگه واخان با ایالت سین کیانگ چـین هـم مـرز بوده و از سمت مغرب نیز با جمهوری اسلامی ایران هم مرز می‌باشد این کشـور درمجمـوع ۵۸۰۰ کیلـومتر مـرز مشترک با همسـایگان دارد. جـدول شـماره۲ اطلاعـات جغرافیـای، سیاسـی، اقتصـادی کشـورهای در حـوزه فرهنگی و تمدنی خراسـان بـزرگ وایـران را نشـان می دهد .

جدول شماره۲ اطلاعات جغرافیای، سیاسی، اقتصادی کشورهای در حوزه فرهنگی و تمدنی خراسان بزرگ

ردیف	کشور / داده ها	ایران	افغانستان	تاجیکستان	قزاقستان	قرقیزستان	ازبکستان	ترکمنستان
۱	وسعت کیلومتر مربع	۱/۶۴۸/۱۹۵	۶۴۷۵۰۰	/۱۰۰ ۱۴۳	۷۲۷/۹۰۰ ۲/	۱۹۹/۹۵۱	۴۴۷/۴۰۰	۴۸۸/۱۰۰
۲	طول مرزها	۸/۷۳۱	۵/۵۲۹	۳/۶۵۱	۱۲/۱۸۵	۳/۰۵۱	۶/۲۲۱	۳/۷۳۶
۳	تعداد همسایگان	۱۵ کشور	۶ کشور	۴ کشور	۵ کشور	۴ کشور	۵ کشور	۴ کشور

۴	زمین قابل بهره برداری از مساحت کل	۹/۷۸٪	۱۲/۱۳	۶/۴۲ ٪	۸/۲۸	٪ ۶/۵۵	۱۰/۵۱	۴/۵۱٪
۵	منابع آب تجدید شونده **ou-km**	۱۳۷/۵		۹۹/۷	۱۰۹/۶	۴۶/۵		۸۰/۹
۶	سرانه آب شرین **m3/gear**	۱/۰۴۸		۱/۸۳۱	۲/۳۶۰	۱/۹۱۶		۵/۱۰۴
۷	تقسیمات کشوری	۳۱ استان	۳۴ استان	۵ استان	۲۰ استان	۶ استان	۱۲ استان	۱۵ استان
۸	تایرخ استقلال	۶۲۵ قبل از میلاد مادها	۱۹۱۹	۱۹۹۱	۱۹۹۱	۱۹۹۱	۱۹۹۱	۱۹۹۱
۹	جمعیت به میلیون	۸۹۱/۲۲۰/ ۷۷	۳۶/۸۷۰/۰۰۰	۲۰۰/ ۷/۶۲۷	۳۷۳/ ۱۵/۵۲۲	۵۸۷/۴۴۳ ۵/	۷۹۳/۰۵۹ ۳۰/	۹۹۷/۵۰۳ ۴/
۱۰	ترکیب سنی جمعیت: ۰-۱۴	۲۴/۱٪	۴۴/۶٪	۳۳/۹٪	۲۱/۶٪	۲۹/۳٪	۳۲/۴٪	۲۷/۵٪
	۱۵-۶۴	۷۰/۹٪	۵۳٪	۶۲/۷٪	۷۱٪	۶۵/۶٪	۶۲/۸٪	۶۸/۴٪
	۶۵ به بالا	۵٪	۲/۰۴٪	۶/۵٪	۷/۴	۵/۳٪	۴/۸٪	۴/۱٪
۱۱	نرخ‌رشد جمعیت	۱/۴۲۸	۲/۶۲۵	۱/۸۴۶	۰/۴٪	۱/۴۲۷		۱/۱۳۸
۱۲	نرخ مهاجرت	-۰/۱۳		-۱/۲۴	-۳/۲۷	-۲/۶	-۱/۴	-۱/۹۲
۱۳	میزان شهر نشین	۷۱٪		۲۶٪	۵۹٪	۳۵٪		۵۰٪
۱۴	امید به زندگی	۷۰/۰۶	۴۳/۷۷	۳۸/۵۴	۶۸/۵۱	۷۰/۴	۶۸/۸۹	۶۸/۶۲
۱۵	درصد باسوادی	۸۳	۲۸/۱	۹۹/۵	۹۹/۵	۹۸/۷	۹۹/۳	۹۸/۸
۱۶	نیروی کار (میلیون نفر)	۲۵/۷	۱۵	۲/۱	۸/۷۱۸	۲/۳۴۴	۱۴/۴۴	۲/۳
۱۷	نرخ بیکاری	۱۴/۶٪	۴۰٪	۲/۲٪	۵/۵٪	۱۸٪	۲۰٪	۶۰٪
۱۸	جمعیت زیر خط فقر	۱۸٪	۵۳٪	۶۳٪	۸/۲٪	۴۰٪	۳۳٪	۳۰٪
۱۹	قدرت خرید **G.D.P** میلیارد دلار	۸۱۸/۷	۲۱/۵	۱۴/۷۴	۱۹۶/۴	۱۳/۲	۵۵/۵۷	۳۶/۹
۲۰	سرانه د ملیر آمد	۱۰/۶۰۰ دلار	۸۰۰	۲۰۰۰	۱۲/۷۰۰	۲/۲۰۰	۲۰۰۰	۷/۵۰۰
ردیف	کشور / داده ها	ایران	افغانستان	تاجیکستان	قزاقستان	قرقیزستان	ازبکستان	ترکمنستان

۲۱	اشتغال نیروی کار در بخش های مختلف	کشاورزی	٪۲۵	٪۸۰	٪۴۹/۸	٪۲۸/۲	٪۴۸	٪۴۴	۴۸/۲
		صنعت	٪۳۱	٪۱۰	٪۱۲/۸	٪۱۸/۲	٪۱۲/۵	٪۲۰	۱۴
		خدمات	٪۴۵	٪۱۰	٪۳۷/۴	٪۵۳/۶	٪۳۹/۵	٪۳۶	۳۷/۸
۲۲	بهره مندی از آب آشامیدنی	شهری	٪۹۸		٪۹۴	٪۹۹	٪۹۹		٪۹۷
		روستایی	٪۸۳		٪۶۱	٪۹۰	٪۸۵		٪۷۲
۲۳	تولید برق (میلیارد کیلو ولت)		۲۱۲/۷	۰/۷۳۴	۱۶/۱	۷۸/۴	۱۵/۹۶	۴/۹	۱۶/۵
۲۴	منابع انرژی	نفت (میلیارد بشکه)	۱۳۷/۶	–	۱۲	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۶	۰/۶
		گاز (میلیارد)	۲۹۶۱۰	۹۹/۹۶	۰/۲۶۶	۲۴۰۷	۵/۶۶۳	۱۸۷۵	۲۰
۲۵	تلفن	ثابت	۲۵۸۰۴۰۰۰	۲۸۰۰۰۰	۲۹۰۰۰۰	۳۷۶۳۰۰۰	۴۹۸۳۰۰	۱۷۱۷۰۰۰	۴۷۸۰۰۰
		همراه	۵۲۵۵۵۰۰	۱۴۰۰۰۰۰	۴۹۰۰۰۰۰	۱۴۹۹۵۰۰۰	۴۴۸۷۰۰۰	۱۱۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰
۲۶	کاربراینترنت۱۰۰۰ نفر		۸/۲۱۴	۳۰	۷۰۰	۵/۲۹۹	۲/۱۹۵	۸۸۰	۸۰/۴۰۰
۲۷	تعداد فرودگاه		۳۱۹	۴۷	۲۶	۹۷	۲۸	۶۱	۲۷
۲۸	راه آهن (**KM**)		۸/۴۴۲	–	۶۸۰	۱۵/۰۷۹	۴۷۰	۳/۹۵۰	۲۹۸۰
۲۹	جاده	مجموع **KM**	/۹۲۷ ۱۷۲	۳۴/۷۸۲	۲۷/۷۶۷	۹۳/۶۱۲	۱۸/۵۰۰	۸۱/۶۰۰	۵۸۵۹۲
		آسفالت	۱۲۵/۹۰۸	۸/۲۴۹	–	۸۴/۱۰۰	۱۶/۹۰۹	۷۱/۲۳۷	۴۷/۵۷۷

ماخذ: The world fact book, 2011

ژئوپلتیک خراسان بزرگ

اززمانی که مکیندر منطقه اورآسیا را برای سیادت برجهان حیاتی توصیف کرده و آنرا قلب زمین نامید بیش از یک صد سال می‌گذرد. اورآسیا در دوران جنگ سرد صحنه اصلی رقابت بین دوابرقدرت جهان بود. در عصر پس از جنگ سرد نیز مورد اختلاف ودرگیری قدرت‌های بزرگ باقی خواهد ماند .

بریژینسکی منطقه‌ای که گستره آن از شرق به غرب ازدریای آدریاتیک به بالکان و تا مرز چین در منطقه سین کیانگ تداوم می یابد واز جنوب به شمال نیز اطراف خلیج فارس دورمی زند و بخشی از خاورمیانه رادر بر می‌گیرند. و در امتداد مرز روسیه قزاقستان تا مرزهای روسیه اکراین ادامه یافته و نزدیک به ۳۰ کشور و۴۰۰ میلیون آدم درآن زندگی می‌کنند را به گرداب جغرافیایی تشبیه کرده و می گوید: هم اکنون خشونتها ی مبتنی بر اختلافهای مذهبی و قبیله ای آغاز شده و انتظار میرود که این خشونت ها شدت یابد. به هر

روی بیداری وجدان سیاسی مردم وتب مذهبی و قومی این منطقه را به گرداب جغرافیائی تبدیل کرده است.

خراسان بزرگ از لحاظ جغرافیائی در قلب و مرکز این منطقه واقع گردیده است. می توان گفت خراسان بزرگ حاصل همپوشانی سه منطقه وحوزه ژئوپلتیک دریای خزر، حوزه ژئوپلتیک آسیای مرکزی و حوزه ژئوپلتیک فلات مرکزی ایران است وهمین اشتراک این منطقه به سه حوزه ژئوپلتیک یاد شده که امروزه کانون تحولات جهانی هستند، شرایط خاصی را بوجود آورده است. این منطقه در حال حاضر محل تلاقی ژئوپلتیک سطح جهانی قدرتهای بزرگ واقع گردیده است وآمریکا و روسیه بعنوان قدیمی ترین بازیگران عصر جنگ سرد، در منطقه کماکان در این منطقه ایفای نقش می‌کنند، قدرت بزرگی چون چین که به آرامی جایگزین ابرقدرت سابق روسیه می شود در این منطقه فعال است .قدرت بزرگ در حال شدن هند نیز در این منطه اهدافی را دنبال می کنند، قدرتهای منطقه ای چون ایران وترکیه نیز در این منطقه منافع مهمی داشته و برگهای زیادی نیز برای بازی کردن دراختیار دارند .

نظام بین المللی و منطقه: آمریکاوروسیه

بریژینسکی در پایان جنگ سرد عنوان داشت : برای آمریکا به عنوان برنده جنگ سرد ،جایزه بزرگ تسلط برژئوپلتیک اوراسیاست۳. از دیدگاه آمریکائی ها اوراسیا ۷۵ درصد جمعیت جهان و بخش قابل توجهی از ثروت فیزیکی جهان ،۶۰ درصد تولید جهانی و سه.چهارم منافع سوخت جهان را درخود جای داده است. از سوی دیگر اور آسیا محلی است که اغلب کشورهای به لحاظ سیاسی پویا و جسور را درخود جای داده،۶ اقتصاد و عمده جهان و شش کشور عمده که بیشترین هزینه تسلیحاتی جهان را دارند درآن واقع شده است .بریژینسکی معتقد است در مرکز اور آسیا منطقه ای است که به لحاظ سیاسی مغشوش، اما دارای منابع سوختنی با القوه و از لحاظ موقعیت، برای کنترل کل اورآسیا بسیار پر اهمیت، برای کشورهای غربی و هم شرقی است. این مرکز اور آسیا همان آسیای مرکزی بعلاوه سایر مناطقی است که در این تحقیق از آن به خراسان بزرگ یاد می کنیم .سقوط امپراطوری روسیه خلاء قدرتی در قلب اور آسیا یعنی این منطقه بوجود آورد . کشورهای تازه استقلال یافته، ضعیف بوده و تجربه کشورها داری درآنها ۲۰ سال بیشتر نیست در حالیکه قبل از سقوط شوروی دریای خزر عملاً یک دریای روسی بود که، بخش کوچکی در جنوب آن در مرزهای ایران قرار می گرفت. اکنون به غیر از روسیه آذربایجان، ترکمنستان وقزاقستان نیز مدعی حوزه آبریز خزر هستند .ظهور کشورهای مستقل درآسیای مرکزی مرزهای روسیه را ۱۶۰۰ کیلومتر عقب رانده این کشور را از منابع معدنی و ذخایر سوختی این مناطق محروم کرد. حس محرومیت از منابع سوختی و معدنی منطقه از یک سو و تشویش چالش باالقوه اسلام نیز این کشور را رنج میدهد.

بری بوزان در این مورد می‌گوید: آسیای مرکزی وقفقاز در حال حاضر ابر مجموعه هایی درون مجموعه امنیتی منطقه ای اند وباالقوه می توانند به مجموعه کوچکتر مستقل (در مورد قفقاز) و مجموعه امنیتی منطقه‌ای در مورد (آسیای مرکزی) تبدیل شوند . اما از سوی دیگر هر دوی آنها از بسیاری جهات و مخصوصا مسائل امنیتی خیلی در کشورهای مستقل مشترک المنافع ادغام شده اند . از سوی دیگر این کشورها نقش عایق در برابر خاورمیانه ،چین ،ترکیه و افغانستان وجنوب آسیا را بازی می کنند.اصلی ترین مسئله مناطق پسا شوروی این است که آیا درون مرزهای منطقه‌ای موجود، یک ضد ائتلاف علیه روسیه شکل خواهد گرفت، یا کشورها یک به یک کنار خواهند کشیدو یا اینکه روسیه تلاش خواهد کرد، کل منطقه را به شکل مجموعه‌ای امنیتی منطقه ای مرکز دار درآورد؟ چنین اقدامی می-تواند نقش روسیه در خارج از منطقه را به شدت تحت تاثیر قرار دهد۱.

کوهن نیز در این باره می گوید : «منافع حیاتی روسیه براساس آسیب پذیری استراتژیک آن درمقابل حضور نیروی متنحاصم همچون ناتو،استقرار نیروهای آمریکایی در قفقاز وآسیای مرکزی ،حضور مردمان روس و گروههای اسلامی طرفدار روسیه در کشورهای همسایه ،که خواستار تامین امنیت فیزیکی و حمایت فرهنگی از جانب مسکو هستند و اشاعه بنیاد گرایی اسلامی در هفت جمهوری در جنوب روسیه در صورت روی کار آمدن رژیم های اسلامی رادیکال قرار دارد. منافع روسیه همچنین شامل تداوم حضور این کشور، در بخش‌های نفت وگاز آسیای مرکزی و قفقاز وبالاتر از همه کنترل استراتژیک برمناطق مذکور جهت تاثیر گذاری بر ساخت مسیرهای خط لوله نفت و گاز و عبور آنها از سرزمین روسیه است.

واقعیت آن است که سیاست روسیه در سطح بین المللی در اور آسیای مرکزی در چارچوب حساسیت هاو تلاش های آن کشور برای حفظ ثبات منطقه ای و جلوگیری از کسب نفوذ قدرتهای فرامنطقه ای در جمهوریهای آسیایی شوروی سابق قابل فهم است. اینکه تا چه زمانی روسیه حضور نظامی آمریکا را درمنطقه بیرامونی خود و به اصطلاح حیات خلوت خویش را تحمل کند ،به درستی مشخص نیست .

چین

آمریکا به بهانه جنگ علیه تروریسم جهانی حضور خوددر منطقه ای آسیای مرکزی را به شدت تقویت کرده وبا انعقاد چندین موافقت نامه نظامی بادولت های منطقۀ، کمکهای اقتصادی و فنی خود را به این کشورها افزایش و گسترش داده و عملاً دررونـدهای امنیتی و نظامی منطقه درگیر شده است. از سوی دیگر این اولین باراست که نیروهای نظامی ایالات متحده در کمتر از ۲۰۰ مایلی مرزهای غربی چین مستقر شده اند و وضعیت کنونی این احساس را به چین القاء می کند که تاکتیک محاصره بایک سد توسط ایالات متحده علیه منافع این کشوردر حال انجام است. به عبارت دیگر همان سیاست معروف کانتینمنت که درنیمه قرن ۲۰ روسیه را محاصره کرد، می رود که به آرامی چین را در نیمه اول قرن ۲۱ محاصره کند. زیرا برآوردآمریکائی‌ها این است که تنها نیروی باالقوه چالش گر در مقابل آنها در آینده نه چندان دور ،چین خواهد بود . براین اساس چین مصمم است تادر برخی عرصه ها هماهنگ با جبهه مسکو در مقابل غرب ظاهر شود و درهمین راستا با روس‌ها در چارچوب سازمان همکاری شانگهای پیش میرود و مایل است تا همکاری استراتژیک ونزدیکی را با اعضای این سازمان دربرابرافزایش حضور ناتو وایالات متحده در حیطه نفوذ خود در اورآسیای مرکزی پایه‌ریزی کند. بدیهی است هدف بازیگران در این منطقه علاوه بر نفوذ سیاسی، نظامی و امنیتی تاثیر گذاری برسیستم اقتصادی جمهوری‌های اورآسیای مرکزی نیز می‌باشد. چین به این منطقه نه تنها به عنوان بازار مصرف تولیدات خود می نگرد ،بلکه با توجه به افزایش روز ا قرون مصرف انرژی در این کشور، تامین انرژی حال و آینده خود را در این کشورها و از مسیر این کشورها جستجو می کند. لذا خطوط لوله‌ای از منابع روسیه از طریق این منطقه به سوی چین، به موازات دیگر منابع تامین سوخت، چین را از دستیابی به انرژی مورد نیاز مطمئن می‌کند .

ایران

سیاست جمهوری اسلامی ایران درآسیای مرکزی برهمکاریهای همه جانبه ،اعتماد سازی ،صلح پایدار بهره برداری از منابع طبیعی وتبدیل این منطقه به منطقه ای با صلح و آرامش استواراست و اعتقاد دارد که مردم این کشورهاباید به اقتصادی شکوفا ، رشد وتوسعه و رفاه همه جانبه نایل شوند و این میسر نمی‌شود مگر با افزایش همکاریهای منطقه ای و ارتقای فضای اعتماد و تضمین صلح و امنیت پایدار . قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران بین دو حوزه بسیار مهم خزر و خلیج فارس اهمیت ژنوپلتیکی وزئواکونومیکی خاصی به ایران بخشیده است. این نقش درزمینه های سیاسی به لحاظ تضمین صلح و ثبات و حل و فصل مناقشات اهمیت

انکار ناپذیری دارد،این موفقیت به لحاظ جغرافیائی چنان جایگاهی به ایران بخشیده است که حمل ونقل وتبادل کالا وخدمات أئم از جاده ای ،ریلی ،دریائی و حتی هوائی بین دو حوزه شمال و جنوب و حتی شرق و غرب و همچنین انتقال انرژی نقش بی بدیل و غیر قابل همآورد داشته باشد . لذا میتوان گفت نگاه ایران به منطقه و کشورهای منطقه ازنوع سلطه جوئی نیست، بلکه دقیقاً برعکس باتوجه به اینکه همه این کشورها که در حوزه فرهنگی خراسان بزرگ مورد مطالعه قرار گرفته اند . در خشکی محصور و کشورهای بری محسوب می شوند. ایران میتواند به آنها امکان دسترسی به آبهای آزاد جهان را بدهد . کوتاه ترین مسیر دسترسی این کشورها به راههای آبی تجارت جهانی از ایران میگذرد (به جدول شماره ۳ مراجعه شود)

جدول شماره ۳ فاصله کشورها آسیای مرکزی تا آبهای آزاد از مسیر ایران

مبدا	آستانه	آلماتی	دوشنبه	تاشکند	عشق آباد	بیشکک	کابل
فصاله تا بندرعباس کیلومتر	۴۴۸۷	۳۷۸۴	۲۸۹۸	۲۷۹۴	۲۰۱۰	۳۵۰۱	

همچنین ایران میتواند امکان صدور انرژی این کشورها به جهان را به عنوان کوتاه ترین و بهترین مسیر فراهم کند. از آن گذشته این مناطق به لحاظ تاریخی در حوزهٔ تمدن ایرانی واقع گردیده اند و اشتراکات فرهنگی بسیار زیادی با ایران دارند، بخصوص ۲ کشور افغانستان و تاجیکستان از لحاظ زبانی نیز با ایران اشتراک دارند. دامنه این اشتراکات بسیار وسیع است. اشتراکات فرهنگی مابین این نواحی وایران در زمینه‌های مختلف دیگر حتی در نقاشی، معماری، فرش بافی، ذائقه های غذایی و... به شکل جدی قابل مشاهده است وعلاوه براین زمینه ها اکثریت مطلق مردم کشورهای این منطقه به دین اسلام اعتقاد دارند و حتی برخی از آنها پیروان مذهب تشیع هستند و از این نظر نوعی احساس قرابت و نزدیکی وجود دارد. همانگونه که اشاره شد زبان فارسی نیز از جمله اشتراکات مهم مابین مردم این ناحیه بویژه تاجیکستان ،افغانستان ودر برخی نواحی ازبکستان می باشد زمینه نفوذ فرهنگی ایران به دلیل مجاورت و بهره مندی از سابقه طولانی روابط فرهنگی و در مواردی اشتراکات قومی ومذهبی با جوامع آسیای مرکزی میتواند آنها را درمقابل تهاجم فرهنگ غربی و اکسینه کند بدون آنکه شبهه تسلط فرهنگی ایران القاء شود.

توپوگرافی منطقه :

ناهمواریها

آسیای مرکزی، جلوگاه چشم اندازهای متنوع توپوگرافی است، کوهستانها، زمینهای پست ساحلی، علفزارها و بیابانها، چشم اندازهای اصلی ناهمواریهای ناحیه به شمارمیروند. بخش شرقی و جنوب شرق جایگاه ارتفاعات است و هرچه به سوی غرب پیش رویم از ارتفاع زمین کاسته میشود. سه رشته کوه آلای، تیان شان و پامیر که تحت تاثیر فعالیت های تکنونیکی زمین در دوران سوم زمین شناسی شکل گرفته‌اند مهمترین ارتفاعات آسیای مرکزی را تشکیل میدهند. رشته کوههای آلای چشم‌انداز عمده تاجیکستان و قرقیز ستان محسوب می‌شود. این سیستم کوهستانی درنواحی مذکور با ارتفاع بیش از ۳ هزار متر از رشته کوههای به هم پیوسته تشکیل شده و در حالیکه با امتداد آن به سوی غرب از ارتفاع کوهها کاسته میشود و کوهها تبدیل به تپه های منفرد میشوند، قله لنین در تاجیکستان با ارتفاع۷۱۴۳ متر از بلندترین قله‌های

آسیای مرکزی دراین سیستم کوهستانی واقع است. سیر دریا درشمال و دره سرخاب درجنوب کوههای آلای را به ترتیب از توده کوهستانی تیان شان وفلات بلند پامیر متمایز می‌کند. کوههای تیان شان از شرق چین تا قرقیزستان امتداد داشته و با ارتفاع بیش از سه هزار متر به سوی شمال غرب تداوم یافته و با نام کوههای قره تاو وارد سرزمین قزاقستان شده و تا حاشیه بیابان امتداد یافته است .فلات پامیر که محل گره خوردگی سیستم چین خوردگی آلپی است با ارتفاع متوسط ۴۰۰۰ متر به نام بام دنیا معروف است. این فلات در واقع ادامه رشته کوههای هیمالیا است، تا قرقیزستان و تاجیکستان تداوم یافته و بلندتربن اراضی آسیای مرکزی را تشکیل میدهد. قله مهم کمونیزم با ارتفاع ۷۴۹۵ در تاجیکستان از کوههای پامیر محسوب میشوند. سه سیستم کوهستانی فوق سرچشمه مهمترین رودهای آسیای مرکزی اند و به غیر از این کوهها در جنوب ترکمنستان امتداد رشته کوههای کپه داغ ،در شرق قزاقستان کوههای آلاتو و ادامه کوهای آلتایی با نام کوههای تار باقاتای دیگر ارتفاعات آسیای مرکزی اند .

فلاتها از چشم اندازه های دیگرناهمواریها در آسیای مرکزی اند .غیر از فلات مرتفع پامیر وفلات «اورست »در حد فاصل خزر و دریاچه آرال درقسمت شرقی وشمال ناحیه فلات سطح کم ارتفاع وقدیمی است که به طور متوسط بین ۲۰۰تا۵۰۰ مترارتفاع دارد.آبهای جاری دراین فلات به سوی شمال جریان یافته وبا پیوستن به رودخانه اُب به اقیانوس منجمد شمالی می-ریزد. در بخش غربی آسیای مرکزی جگله ای رودهای امبا واورال جاری اند، که به مازندران می‌ریزد،آرال آبریزگاه دورود مهم سیر دریا. آمودریاست .بیابانهای وسیعی درآسیای مرکزی قرار گرفته‌اند نامشان متاثراز شرایط طبیعی ناحیه است. بیابان قره قوم به مفهوم ماسه‌های سیاه بین خزر و آمودریا به طول ۹۶۵ کیلومتر واقع شده. کوههای شمال شرق ایران وافغانستان مانع گسترش بیابان به طرف جنوب بوده وآنرا محدودکرده است. وسعت قره قوم حدود ۳۰۰ هزار کیلومتر مربع است .

بیابان« قزل قوم» یاشنهای قرمزنیز قسمت شمالی زمین های بین سیر دریا و آمودریا را تشکیل میدهد . قزل قوم ۲۹۷ هزار کیلومتر مربع وسعت داردو نسبت به قره قوم شرایط طبیعی مساعد تری برای رشد گیاهان و فعالیتهای کشاورز ی دارد.

افغانستان نیز سرزمینی کوهستانی است. قسمت وسیعی از خاک افغانستانرا عمدتا در شمال وشرق کشور کوهها و سنگلاخها پوشانده است. کوههای هندوکش به طول ۶۰۰ کیلومتر و عرض یکصد کیلومتر از سمت شمال شرقی به طرف غرب و جنوب غربی کشور کشیده شده وتقریباً از میانه افغانستان می‌گذرد مرتفع ترین قله-های این کوهها با ۶تا۷ هزار متر ارتفاع درقسمت‌های شرقی افغانستان قرار گرفته‌اند. هندوکش تقریباً افغانستان را به دو نیم تقسیم می‌کند. خراسان داخلی نیز به علت وسعت زیاد منطقه وعواملی مثل رشته کوههای مرتفع ومناطق کویری وجلگه‌ای ودوری از دریا تنوع آب و هوایی وسرزمینی در آن بوجود آورده ارتقاء متوسط این ناحیه ۱۰۰۰ متر از سطح دریا است و دامنه تغییرات ارتفاع استان ۲۹۳۱ متر محاسبه شده است بیشترین ارتفاع ۳۲۱۱ متر درکوههای بینالود وحداقل آن۳۸۰ متر در محل خروجی رودخانه تجن از ایران در شهرستان سرخس می باشد.

شمال خراسان مرز ایران و ترکمنستان و از جنوب خط الراس کوههای بینالود و الاداغ می‌گذرد و دوحوزه اترک که به دریای مازندران می ریزد و حوزه ریگزارهای قره قوم این منطقه را تشکیل میدهد. طولاترین و بلند ترین سلسله جبال خراسان دراین قسمت قراردارد. دو رشته موازی کپه داغ و آلاداغ –بینالود دلانی را به طول ۴۰۰ کیلومتر ایجاد کرده است .درمرکز خراسان کوههای کوه سرخ کاشمر واقع شده ولی در جنوب خراسان کوهاا پراکنده هستند. در جنوب خراسان بیابانها،کویرها وشوره زارها وریگستانها وسیعترو منابع آب سطحی وسفره های آب زیر زمینی آن کمتر است.

شبکه آبها

غلبه آب وهوای گرم و خشک بر بخش بزرگی از آسیای مرکزی ،محدودیت منابع آب بویژه شبکه آبهای جاری را به همراه داشته است. چند دریا چه ورودخانه وتعدادی کانال آب رسانی منابع و شبکه آبهای آسیای مرکزی را تشکیل میدهند. دریای خزر به دلیل عدم ارتباط با دریاهای آزاد دریاچه به شمارمیرود امابه علت وسعت زیاد آن که بزرگترین دریاچه قاره ای جهان است دریانامیده می شود . این دریا با ۶۳۸۰ کیلومتر ساحل بین کشورهای ایران، آذربایجان، ترکمنستان، روسیه. قزاقستان واقع است .

رودهای جاری به سوی دریای خزر بالغ بر۳۵۰ رشته می‌باشندکه از میان آنها رودههای ولگا، اورال وامبا درشمال وارس، اترک وکورا درجنوب مهم تر ازهمه هستند. رود ولگا به تنهایی حدود۸۰ درصد از آب ورودی به خزر را تامین می‌کند. دریاچه آرال نیز که درسال ۱۸۴۸ برای نخستین بار اکتشاف ونقشه برداری شد در مرز بین دو جمهوری ازبکستان وقرقیزستان واقع است. این دریاچه تا پیش از سال ۱۹۶۰، ۶۶ هزار کیلومتر مربع وسعت داشته و چهارمین دریاچه بزرگ دنیا بود اینک وسعت آن به میزان بسیار زیادی کاهش یافته است. دو رودخانه آمو دریا و سیر دریا آب این دریاچه را تامین می‌کنند بنابراین حوزه آبخیز آرال بین پنج جمهوری آسیای مرکزی تقسیم شده و هرگونه عملی که منجر به نوسان آب دو رود مذکور شود، تاثیر مستقیم بر وسعت و میزان آب دریاچه می‌گذارد. دریاچه بالخاش درجنوب شرقی قزاقستان با ۱۷۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت و دریاچه آیسیک کول که یکی از بزرگترین دریا چه‌های کوهستانی جهان است با ۶۰۷۰ کیلومتر مربع وسعت در مشرق قزاقستان واقع گردیده است . همچنین دریاچه زایسان با وسعت ۱۱۱۸ کیلومتر مربع که درمشرق قزاقستان واقع گردیده در نزدیکی مرز چین و آب آن از سرشاخه های رود ایرتیش تامین میشود .دریاچه تنگیز وقرشمورن، آلاکول در قزاقستان، زورکول در قرقیزستان و قرا کول در تاجیکستان از دیگر دریاچه های آسیای مرکزی هستند .

رودخانه آمودریا که نام باستانی آن‌وخش بوده و در دوران باستان، یونانی ها آن را اکسوس و در قرنهای نخستین تاریخ اسلامی عربها آن را جیحون نامیدند نام خود را از شهر آمل گرفته و حتی پس از تغییر نام آمل به چارجواین نام را حفظ کرده، آمو دریا یکی از مهمترین رودها و منابع آب آسیای مرکزی به شمار می‌آید. این رود که در کتابها واسناد تاریخی وباستانی مرزایران وتوران ذکر شده واراضی شرقی شمالی آن را عربها ماورالنهر نام نهادند از فلات پامیر سرچشمه می گیرد. مرز افغانستان و تاجیکستان را طی کرده و جهت جنوب شرق، شمال شرق می‌گیرد، خط مرزی ازبکستان و ترکمنستان را تشکیل میدهند ونهایتاً از جنوب به دریاچه آرال می ریزد. طول آن ۲۵۴۰ کیلومتر که۹۰۰ کیلومتر آن در اواخر بهار و اوایل تابستان قابل کشیرانی است کانال قره قوم آب این رودخانه را از آرال منحرف می-کند.

سیر دریا رودخانه دیگری است که یونانیها آن را یاکسارت نامیده عربها به آن سیحون گفتند از کوههای تیان شان در قرقیزستان سرچشمه می گیرد به سوی آرال جاری می شود ،پس از عبور از دره فرغانه جهت شمالی گرفته وارد قزاقستان میشود . سیر دریا که حدشمالی وشرقی صحرای قزل قوم راتشکیل میدهد. از سرچشمه تا مصب در مسیری به طول ۲۲۰ کیلومتر جاری است. رودخانه ایرتیش نیز که از کوههای آلتایی در چین سرچشمه می‌گیرد وارد قزاقستان و از آنجا وارد روسیه می شود و به رودخانه اُب می پیوندند حدود ۴۴۰۰ کیلومتر طول و بخشهایی از آن قابل کشیرانی است .

رود ایشیم نیز ازقزاقستان سرچشمه می‌گیرد و با ۲۱۴۰ کیلومتر طول وارد روسیه می شود، و رودخانه ایلی، اورال، امبا، چو، توبول، مرغاب، ساریوو زرافشان از دیگر رود های آسیای مرکزی هستند . که از بین آنها رودهای چو، توبول، مرغاب و رزافشان بین المللی

هستند. در منطقه آسیای مرکزی دردورۀ تسلط روسها بر این منطقه کانالها آب رسانی مهمی حفر که حدود ۴۵ کانال می‌باشد و مهمترین آنها کانال فرغانه با ۲۳۸ کیلومتر و کانال آب رسانی قره قوم که بزرگترین کانال در جهان است و۱۰۰متر عرض و ۶ تا ۱۰ متر عمق داشته و ۱۵۰۰ کیلومتر طول داشته آب آمودریا را به سوی جابجا می کند.

مرزها

مرزها ی موجود بین پنج جمهوری آسیای مرکزی شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان ،ترکمنستان و ازبکستان در چارچوب اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۴ ایجاد شد. تعین این مرزها بدون درنظر گرفتن تعلقات قومی و نژادی مردم ساکن در این سرزمین‌ها صورت گرفت. هدف رهبران شوروی جابه‌جایی و مستقر نمودن مردم از اقوام مختلف برای همگرایی بیشتر درغالب نظام سیاسی حاکم بود .نتیجه چنین سیاستی پس از فروپاشی شوروی وجود اقلیت های قومی و نژادی در جمهوریهای تازه به استقلال رسیده می باشد که به یکی از مهمترین عوامل تنش دردرون هر یک از جمهوری‌ها و بین اقوام آنها تبدیل شده است همچنین مستقر کردن اقلیت های روس دراین جمهوریها که در گذشته انجام شده وضعیت قومی را پیچیده ترکرده است .

به عنوان مثال شهرهای سمرقند وبخارا را که اکثریت جمعیت آن ایرانی تبار است به ازیکستان محلق نموده و تاجیکستان و فارسی زبان آن منطقه را از دومرکز مهم فرهنگی محروم کرده‌اند. دادن شهر اوش به قرقیزستان که مورد ادعای ازبکستان می‌باشد. نیز یکی دیگر از این قبیل مسایل است که در حال حاضر بین جمهوری ازبکستان وقرقیزستان تنش هایی را ایجاد نموده است .

ازبکها ۲۴ درصد جمعیت تاجیکستان را تشکیل میدهند که در مناطق همجوار با ازبکستان متمرکز هستند و ۳۰ تا۴۰ درصد ساکنین مناطق مرزی را تشکیل میدهند. ۹۳۴ هزار تاجیک در ازبکستان مستقر هستند. همچنین ازبک ها ۱۳ درصد جمعیت قرقیزستان را تشکیل میدهد که در مناطق مجاور ازبکستان متمرکز هستند. این منابع پنهان مناقشه میتواند بین ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و همچنین آنها و افغانستان در گیریهای را سبب شود.کشورهای تازه استقلال یافته با اختلافات عدیده مرزی، قومی، ارضی، تضاد بین روس غیر روس وغیر بومی مواجه هستند. اختلافات ومنازعات مرزی مربوط به آسیای مرکزی عبارتند از:

۱- منازعه میان ازبکستان . قزاقستان برسر جمهوری خود مختار قراقالپاقستان که درسال ۱۹۳۶ به ازبکستان منتقل شد

۲- ادعای ترکمنستان به بخشی از استان مانقشلاق قزاقستان

۳- ادعای ترکمنستان به بخش آمودریا از استان تاش حوض ترکمنستان

۴- ادعای ازبکستان به بخش جنوب شرقی قراقالپاق به استان خوارزم

۵- ادعای ازبکستان به بخش از آمودریا دراستان چا چوی ترکمنستان

۶- ادعای قراقالپاق به بخش شمالغربی استان بخارا در ازبکستان

۷- ادعای ترکمنستان به بخش آمودریا استان بخارای ازبکستان

۸- ادعای ازبکستان ب بخش جنوبی استان چیمکنت

۹- ادعای تاجیکستان به بخش هایی از دو استان سمرقند وبخارای ازبکستان

۱۰- ادعای تاجیکستان به استان سرخان دریای ازبکستان

۱۱- ادعای تاجیکستان به بخش کوهستانی استان اوش در قرقیزستان

۱۲- بخشی از استان خودمختار گرناگورنو بدخشان تاجیکستان که موارد ادعای قرقیزستان است .

۱۳- ادعـای ازبکسـتان بـه بخشـی از اسـتان اوش قرقیزستان
۱۴- ادعای قرقیزستان بـه بخشـهای جنـوبی آلماتـا و استانها ی تاوی –گورگان قرقیزستان
۱۵- بخشهای شـمالی ایسـپک کـل قرقیزسـتان مـورد ادعای قزاقستان است۱.

اگرچه از زمان استقلال این کشورها تـاکنون اختلافـات قومی و ادعاهای ارضی میان آنهاسـبب بـروز مشـکلات جدی نشده است. اما هرگاه زمینه مناسبی چـه از سـوی نیروها داخلی و چه از سوی نیروهای خارجی بـا اهـداف گوناگون فراهم شـود .جلـوگیری از بـروز تنشـها دشـوار وشاید ناممکن باشد.

جمعیت

آسیای مرکزی از نواحی کـم جمعیـت جهـان بـه شـمار میرود، زیرا با وسعت زیاد ناحیه ، شمارافراد ساکن در آن نسبت به بسیاری از نقاط دنیا انـدک مـی باشـد. موانـع طبیعی و اقلیمی عوامل اصلی کمی جمعیت و پراکنـدگی غیر یکنواخت آن محسـوب مـی شـوند، زیـرا مـردم در نقاطی سکونت گزیده اند که شرایط برای ادامه حیاتشان فراهم بوده است. آسیای مرکزی درسـال ۲۰۱۱ نزدیـک بـه ۶۲ میلیـون نفرجمعیـت داشـته کـه بـا احتساب۳۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر جمعیـت افغانسـتان وبخـش داخلـی خراسـان در مجمـوع خراسـان بـزرگ بـیش از ۱۰۰میلیون نفر جمعیـت را درخـود جـای داده اسـت(به جدول ۲مراجعه شود)

بدیهی است که جمعیت ناحیـه بـه طـور یکنواخـت درسطح کل ناحیه مستقر نشده اند و مجموعه شـرایطی مانند زیر ساخت‌های طبیعی، منابع آب، رکـود ورونـق و فعالیتهـا ی زراعـی و صـنعتی، وجـود مراکزسیاسـی و فرهنگی و سابقه تاریخی در تفرق و تجمع جمعیت موثر بوده است. از میـان عوامـل مـذکور عوامـل جغرافیـائی مهمتر بوده است مراکز مهم جمعیتی در اطراف منابع آب ،دشتهای حاصلخیز و کوهپایه‌هـا تشـکیل شـده‌انـد بـه طوری که در نقاطی مانندصحرای قزل قوم، بیابـان قـره قوم و حتی استپ زارهای قزاقستان تراکم جمعیت کمتـر از ۲ نفر در هرکیلومتر مربع است و در نقاطی مثل جلگه فرغانه شهرهای صنعتی و حتی برخـی از پایتخـت‌هـای جمهوری‌ها تراکم جمعیت بـیش از ۲۷۰ نفـر در کیـومتر مربع است.

منابع

در آسیای مرکـزی منـابع معـدنی متنـوعی وجـود دارد. درمیان کانیهای موجود موارد سوختی وکانیهـا ی فلـزی نقش مهمی در اقتصاد این کشورها دارند. به طوری کـه در ازبکستان گاز طبیعی وطلا، در تاجیکستان اورانیـوم، ترکمنستان گاز، در قرقیزسـتان اورانیـوم و در قزاقسـتان نفت، گازو فلزات دراقتصـاد آن جایگـاه ویـژه ای دارنـد. ترکمنستان وقزاقستان از نظـر انـرژی غنـی وبـه لحـاظ سیاسی با ثبات ترند و زمینه‌های سرمایه‌گذاری خـارجی را در خود فراهم کرده اند، قزاقستان در حوزه‌های تنگیـز و قراچنـاق دارای ۱۰۰ میلیـارد شـبکه ذخایرنفـت و۲/۴ تریلیون ذخیره گازطبیعی است. ذخایر گـاز ترکمنسـتان ۸/۱ تریلیون متـر مکعـب اسـت. ازبکسـتان دارای بـازار داخلی در آسیای مرکزی، زیر بنای نسـبتاً توسـعه یافتـه صـنعتی، منـابع طبیعـی فـراوان اسـت. قرقیزسـتان و تاجیکستان موقعیت چندانی ندارند .

طبق مطالعات سال ۱۹۹۰ میلادی ذخایر ثابت شـده قزاقستان عبارت بود از ۹۰٪ ذخـایر کـروم، ۵۰٪ ذخـایر سرب و تنگستن ومس وروی و ۱۹٪ ذخایر ذغال سـنگ و۷٪ ذخایر نفت کل شـوروی سـابق و مهمتـرین منـابع کانی آن غیر از موارد بالا عبارتند از ذغال سنگ، سـنگ آهن، کرومیت، نیکل، مولیبدن، کادمیم، بوکسـیت، طـلا ونقره و چند نوع فلفزات نادر و فسـفات. توجـه بـه ایـن نکته لازم است که شوروی سابق در زمـره اولـین تولیـد کنندگان و دارندگان ذخـایر اغلـب ایـن مـواد در سـطح جهان بود. قزاقستان در قرن ۲۱عمده ترین تولید کننـده نفت میان جمهوریهای شوروی سابق خواهد بود ۲.

ترکمنستان نیز ذخـایر فـراوان نفـت ،گـاز طبیعـی و ذخایر مهمی ازید ،برم ،سولفات سدیم طبیعی دارد منـابع

سولفات سدیم طبیعی عظیم در قره بغاز گل درمجاورت دریای خزر یکی از بزرگترین منابع جهانی است.

ازبکستان نیز دارای منابع عظیم گاز و نفت و ذغال سنگ می باشد در قرقیزستان نیز ذخایر عمده – جیوه،

اورانیوم و ذغال سنگ وجود دارد. نفت و گاز و سرب و روی و مس نیز درآنجا وجود دارد. که از نظر تولید اینها این کشور درآسیا مقام اول را دارد. تاجیکها نیز ذخایر سرشار آهن، سرب، روی، مس، طلا، اورانیم، نفت وگاز طبیعی در اختیار دارند. رودخانه های تاجیکستان به او امکان تولید برق زیادی را داده است

بافت سیاسی، اجتماعی

در شرایطی که فروپاشی رسمی اتحاد شوروی پنج جمهوری آسیای مرکزی را آزاد ساخت، تکلیفی که اینک این جمهوریها با آن مواجههاند یعنی تکمیل انتقال به استقلال کامل بسیار عظیم است. آنها دیگر نمیتوانند به کمک مالی مسکو برای تغذیه جمعیت‌های خود که به سرعت رشد می‌یابند وابسته باشند خروج صدها هزار تکنسین ماهر روسی از این منطقه رهبران آنها را با میلیون ها جوان بیکار و غیر ماهر مواجه ساخته است مشکلات اقتصادی جمهوریهای آسیای مرکزی به مسائل سیاسی تبدیل شده است. سقوط احزاب کمونیست اتحاد شوروی به این معنی بود که رهبران آسیای مرکزی می بایست احزاب کمونیست خود را منحل نمایند یا اعتبار سیاسی خود را زیر سوال برند. آنها چنین کردند و رئیس و دبیر اول حزب کمونیست تاجیکستان قمار محکم اف که چنین نکرد چند هفته بعد از کودتا با اعتراضات عمومی از سمت خود برکنار گردید. احزاب جانشین که بلافاصله ظاهر شدند عمدتاً بدون اموال و دارایی و فاقد برنامه های ایدئولوژیک تهیه و تنظیم شده مانند حزب دمکراتیک ملی ازبکستان و حزب سوسیالیست قزاقستان به خاطره فقدان علاقه و توجه مردم، قبل از سر برآوردن روبه اضمحلال نهادند. مبارزه قدرت اکنون در این جمهوریها بسیار پیچیده است. اینک سه گروه اصلی برای کنترل سیاسی در منطقه رقابت می کنند :

۱- نمایندگان حزب سالاری قدیمی آسیای مرکزی که در بیشتر نواحی به گروههای رقیب تقسیم شده اند و برای حفظ کنترل به ستیز پرداخته اند .

۲- گروههای جدید به اصطلاح دمکراتیک تحت سلطه روشنفکران که در نظام سیاسی قدیم عموماً فقط نقش حاشیه ای ایفا می کردند، با آنها به مبارزه برخاسته اند.

۳- گروههای تجدید حیات طلب اسلامی مرکب ازروحانیون اصول گرایی که خارج ازموسسات رسمی آموزش یافته‌اند و باحزب سالاری مخالفت می-کنند۱.درقزاقستان حزب کمونیست همواره تحت سیطره فرزندان اردوی بزرگ بوده است، قبیله‌ای که قبل از سیطره روسیه بر قزاقستان جنوبی حاکم بود، هم اکنون نور سلطان نظر بایف رئیس جمهوری قزاقستان یک جکومت متعادل و متوازن دارد. نظر بایف از قبیله اردوی بزرگ است. گفته میشود معاون جدید او را یک آسان بااف از اردوی میانه است، نخست وزیر وی که از چپکمنت است زبان قزاقی را بسیار روان صحبت می کند .سه گروه عمده سیاسی در قرقیزستان وجود دارند یک گروه از نارین هستند ،یک گروه از تالاس آمده اند و قرقیزهای که از اُش آمده اند .

دو گروه بندی عمده در تاجیکستان وجودارد: گروه خجند که قلمروشان در مجاورت ازبکستان و فرغانه است و گروه ضعیف تر قورقان تپه –کولاب که از منطقه جنوبی تاجیکستان در امتداد مرزهای افغانستان است و از مدار قدرت خارج بوده اند. گروه خجند بیشتر در اقتصاد پنبه آسیای مرکزی ادغام شده است.ترکمن ها به دو گروه عمده تقسیم شده اند: یاموت‌ها وتکه ها. پیرامون این دوگروه، دوگروه رقیب از رهبران حزبی شکل گرفته‌اند. تکه‌ها با پیوندهای ملی خود به شهرهای کویری بخارا و خوارزم در موقعیت برتر بوده‌اند. به هر ترتیب کنترل صفر مراد نیازاف آنچنان کامل است که گفته میشود هرگونه آثار مخالفت را ازمیان برده است .در

ازبکستان شرایط پیچیده تر است. گروه بندی سیاسی به نمایندگی از دره فرغانه سمرقند ومراکز مهم منطقه‌ای در بخش‌های غربی وشرقی این جمهوری وجوددارد.سلسله مراتب منطقه‌ای حزب کاملا ثابت وخود مختار است.

رهبران آسیای مرکزی درصد ایجاد دولت‌هایی غیر مذهبی هستند، لذا تلاش می‌کنند در میان مصالح و علایق همسایگان مسلمان خود و سرمایه های خارجی کشورهای غیر مسلمان توازن برقرار نمایند. آنها به شرکت های آمریکایی و اروپای غربی امکان حضور در پروژهای اقتصادی عظیم و متعددی را داده اند لیکن به نظر میرسد حداقل در آینده نزدیک شرکای اقتصادی خارجی عمده آسیای مرکزی چین ودر حیطه محدودی کره جنوبی خواهند بود .

تجزیه وتحلیل

با قدری اغماض همین امروز نیز می توان خراسان بزرگ را یک ناحیه فرهنگی نامید که مرزهای ان تا مرزهای شمالی وشرقی کشورهایی چون ترکمنستان، تاجیکستان، و قرقیزستان وافغانستان توسعه می‌یابد. این منطقه بزرگ در بسیاری از شاخصه‌های فرهنگی دارای همبستگی و پیوستگی است. این قرابت فرهنگی به قدری عمیق ودر عین حال گسترده است که از منظر هویت نیز میتوان به آسانی هویت های یکسان را در دوسوی مرزهای سیاسی تشخیص داد.

ترکیه و ایران دو کشور خارجی بسیا ر علاقمند به آسیای مرکزی هستند . هردو جریان و قایع در این منطقه را در امتداد مستقیم منافع ملی خود تعریف کرده اند . ترکیه آن را برحسب اصطلاحات سنتی ژئوپلتیک و ایران براساس مسائل مذهبی تعریف کرده اند.

در رابطه منطقه ای نقش روسیه به عنوان یک قدرت ناحیه ای بسیار مهم است . روسیه تمام کشورهایی را که از انحلال شوروی سابق تشکیل شده اند خارج نزدیک خود تعریف کرده ولذا مرزهای امنیتی خود را درمرزهای شوروی سابق تعریف کرده است از جمله راهبردهای روسیه در ارتباط با جمهوریهای خارج نزدیک آن است که تلاش کند از شکل گیری احساسات ضد روسی در این کشورها جلوگیری کند وبه دنبال آن مانع از روند مهاجرت روسها به وطن اصلی شود. روسیه در این راستا تلاش می‌کند تا از تبدیل اقلیت روسها به شهروندان درجه ۲ جلوگیری شود. از نظر روسیه این جمهوریها حا ئلی بین مسکو و ناتو بوده و آخرین سپر دفاعی روسیه بحساب می‌آیند.

آسیای مرکزی درسال ۲۰۱۱ نزدیک به ۶۲ میلیون نفرجمعیت داشته که با احتساب۳۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت افغانستان وبخش داخلی خراسان در مجموع خراسان بزرگ بیش از ۱۰۰میلیون نفر جمعیت را درخود جای داده است.معهذا از نواحی کم جمعیت جهان به شمار میرود زیرا با وسعت زیاد ناحیه ، شمارافراد ساکن در آن نسبت به بسیاری از نقاط دنیا اندک می باشد.

بدیهی است که جمعیت ناحیه به طور یکنواخت درسطح کل ناحیه مستقر نشده اند و مجموعه شرایطی مانندزیرساخت‌های طبیعی،منابع آب،رکود ورونق وفعالیتهای زراعی و صنعتی، وجود مراکزسیاسی و فرهنگی و سابقه تاریخی در تفرق و تجمع جمعیت موثر بوده است. مرزها ی موجود بین پنج جمهوری آسیای مرکزی شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان ،ترکمنستان وازبکستان در چارچوب اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۴ایجاد شد. تعین این مرزها بدون درنظر گرفتن تعلقات قومی و نژادی مردم ساکن در این سرزمین‌ها صورت گرفت لذاامروزه وجود اقلیت های قومی و نژادی در جمهوریهای تازه به استقلال رسیده به یکی از مهمترین عوامل تنش دردرون هر یک از جمهوری‌ها و بین اقوام آنها تبدیل شده است. همچنین مستقر کردن اقلیت های روس دراین جمهوریها که در گذشته انجام شده وضعیت قومی را پیچیده ترکرده است . اگرچه از زمان استقلال این کشورها تاکنون اختلافات قومی و ادعاهای ارضی میان آنهاسبب بروز مشکلات جدی نشده است. اما هرگاه زمینه مناسبی چه از سوی نیروها داخلی و چه از سوی نیروهای خارجی با

اهداف گوناگون فراهم شود .جلوگیری از بروز تنشها دشوار وشاید ناممکن باشد. . مبارزه قدرت اکنون در این جمهوریها بسیار پیچیده است.

در آسیای مرکزی منابع معدنی متنوعی وجود دارد. درمیان کانیهای موجود موارد سوختی وکانیها ی فلزی نقش مهمی در اقتصاد این کشورها دارند.این منابع به شرکت های آمریکایی و اروپای غربی امکان حضور در پروژهای اقتصادی عظیم و متعددی را داده اند لیکن به نظر میرسد حداقل در آینده نزدیک شرکای اقتصادی خارجی عمده آسیای مرکزی چین ودر حیطه محدودی کره جنوبی خواهند بود. مشکلات اقتصادی جمهوریهای آسیای مرکزی به مسائل سیاسی تبدیل شده است. رهبران آسیای مرکزی درصد ایجاد دولت‌هایی غیر مذهبی هستند، لذا تلاش می‌کنند در میان مصالح و علایق همسایگان مسلمان خود و سرمایه های خارجی کشورهای غیر مسلمان توازن برقرار نمایند.مجموعه این عوامل باعث تلاقی ژنوپلتیک سطح جهانی قدرتهای بزرگ در این منطقه گردیده است وآمریکا و روسیه بعنوان قدیمی ترین بازیگران عصر جنگ سرد، کما کان در این منطقه ایفای نقش می‌کنند، قدرت بزرگی چون چین که به آرامی جایگزین ابرقدرت سابق روسیه میشود در این منطقه فعال است .قدرت بزرگ در حال شدن هند نیز در این منطه اهدافی را دنبال می کنند، قدرتهای منطقه ای چون ایران وترکیه نیز در این منطقه منا فع مهمی داشته و برگهای زیادی نیز برای بازی کردن دراختیار دارند .واین در حالیست که تجربه کشورها داری مستقل درکشورهای جدید فقط ۲۰ سال بیشتر نیست.

نتیجه گیری

خراسان در طول تاریخ ایران زمین از اهمیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی برجسته ای برخوردار بوده است بسیاری از تهاجمات سرزمین ایران از این منطقه صورت گرفته و نقطه آغاز بسیاری از عملیات نظامی ایرانیان به خارج نیز که در مقام دفاع پیشگیرانه در طول تاریخ کشور صورت گرفته نیز ، این ناحیه بوده است فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور ۵ کشور مستقل در آسیای مرکزی ، در کنار افغانستان و تمرکز تلاش قدرت های جهانی در چهارچوب ژئوپلیتیک جهانی بر این منطقه منجر به احیای این نقش تاریخی منطقه خراسان بزرگ گردیده است. امنیت ملی ما و تغییر مکان ثقل ژئوپلیتیکی آسیا از خاورمیانه به آسیای مرکزی و چین اقتضاء می کند به منطقه خراسان بزرگ بیش از پیش توجه شود در طول دوره جنگ سرد محدوده شوروی سابق توسط امریکائی ها به پادگانی تشبیه شده بود و کمربند امنیتی غرب در غالب استراتژی ژئوپلیتیک کانتینمنت آن را محاصره کرده بود این دیدگاه اکنون به مرزهای چین تغییر موضع داده لذا تداوم استراتژی فوق غرب را متقاعد کرده تا نه تنها به بهانه مبارزه با تروریسم جهانی افغانستان را اشغال نظامی کند ،بلکه بر حضور خود در کشورهای آسیای مرکزی نیز بیافزاید. این حضور در حالی تقویت می شود که نه تنها با مقاومت کم و بیش محلی از سوی توده های مردم، که تازه طعم استقلال را چشیده اند مواجه، که با مقاومت غیر مستقیم روسیه و چین نیز در چهارچوب استراتژی های امنیتی این کشورها مواجه است . چین بخش مهم امنیت خود در ابعاد چهارگانه نظامی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی را در این منطقه جستجو می کند . بازاری مطمئن برای محصولات ، مسیر و منبعی مناسب برای تأمین نیاز فزاینده انرژی و منطقه ای حائل به لحاظ امنیت نظامی می تواند اوصاف منطقه در نظر چین تلقی گردد.

ایالات متحده امریکا به عنوان پیروز جنگ سرد تسلط بر اوراسیا را حق خود می داند و این مهم با تسلط بر آسیای مرکزی به عنوان قلب واقعی منطقه میسر خواهد بود . یکی از عوامل مؤثر در ژئوپلیتیک در قرن ۲۱ تفاوت در هویت های فرهنگی است . فرهنگ از مؤلفه های گوناگونی تشکیل می شود ، اما مؤلفه های دین و مذهب ، زبان و قومیت برجسته تر بوده که از آنها به مؤلفه های هویت ساز یاد می کنیم . این عوامل می توانند موجبات همگرایی یا واگرایی در یک منطقه را

فراهم کنند . وهابیت متحجر هم به واسطه تفکر منحط اعتقادی خود و هم به عنوان بازیچه غرب به شدت بر نفوذ بیش از پیش خود در این منطقه مسلمان نشین اصرار می ورزد ، و چون بیشتر ساکنین منطقه مسلمان و سنی مذهب هستند ، احتمالاً خود را موفق تر ارزیابی می کند . ترکیه نیز اهداف ژئوپلیتیکی بلند پروازانه، قوم ترک و ترکستان از مدیترانه تا سین کیانگ را در نهان دنبال می کند و امروزه در غیاب ایران به واسطه انزوای آن از سوی قدرت های جهانی بدون حریف جدی ، خود را موفق تر ارزیابی می کند .

همه این مسائل نشان میدهد،سهم خراسلن بزرگ در تحولات اتی منطقه زیاد است .تحلیل عوامل ژئوپلیتیگ منطقه نشان می دهد ،که ایران نیز در این منطقه ازامکانات زیادی بر خوردار است .کل منطقه به لحاظ تاریخی بخشی از حوزه تمدن وفرهنگ ایرانی محسوب می شود. هنوز پس از گذشت هزاره ها مولفه های فرهنگی ایرانی-اسلامی از پویایی برخوردارند.زبان مشترک،مشاهیر ودانشمندان وادیبان وشعرای نامدار ایرانی که مردم این کشورها مشترکا" به انتساب انها بخود میبالند،جشنها واییبنهای مشترک ،حتی قرابتهای قومی و...بسیاری مولفه های فرهنگی دیگر،زمینه های مناسبی را برای همگرایی منطقه فراهم کرده است.عامل بسیار مهم دین مبین اسلام بزرگترین وهمه گیر ترین مولفه است که در صورت اتخاذ سیاستهای درست مذهبی ،میتواند دراین جهت نقش افرینی کند.این تدبیر تبلیغات سوء وهابیون را خنثی وهمبستگی بین ملل مسلمان منطقه را افزایش می دهد.

این منطقه محصور در خشکی است،ایران میتواند بامجوز ترانزیت از یکسوواجاره بخشی از جزایر بیشمار خود در خلیج فارس به کشورهای منطقه امکان دسترسی به ابهای ازاد جهان را اعطاء کند.سطح نازل تکنولوژیک این کشورها بازار مناسبی برای محصولات با کیفیت درمیدان رقابت خواهد بود.انها زمینه جذب دانش وتکنولوژی برتررا به رقبا می دهند. انها نیازمند اموزشهای عالی برتر هستندو....به نظر می رسد لیست فرتهای متقابل برای کشورهایی که در محدوده خراسان بزرگ تعریف شد،بسیار طولانی باشد. نگا رنده پیشنهاد می کند، این فرصتها در قالب پژوهشهای کاربردی تحقیقات دانشجویی که در عین حال از پشتیبانی مالی برای اجرای کیفی، برخورداراباشد، مورد مطاله قرارگرفته وبه این ترتیب مواد اولیه برای تدوین استراتژی منطقه ای فراهم گردد.

فهرست منابع

ابوالحسن شیرازی،حبیب ا..،(۱۳۸۲)، **سیاست وحکومت در اسیای مرکزی**، تهران: نشرقومس.

احمدیان،نسرین.(۱۳۸۷)، **دیار اشنا**، مشهد: بنیادپژوهشهای استان قدس رضوی.

التون،نیل.(۱۳۸۴)، **تاریخ سیاسی واجتماعی خراسان**، ترجمه مسعودرجب نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی وفرهنگی.

بارتولد.و.(۱۳۷۵)، **ترکستان نامه**، ترجمه کریم کشاورز، چاپ سوم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

برژینسکی ، زبینگو .(۱۳۸۶)، **پس از سقوط** ، ترجمه امیرحسین توکلی ، تهران: انتشارات سبزان .

برژینسکی ، زبینگو .(۱۳۶۹)، **در جستجوی امنیت ملی** ، ترجمه ابراهیم خلیلی ، تهران: انتشارات سفیر ؛ تهرانیان ، مجید ؛ ودایساکو ایکدا ؛ **در تکاپوی تمدن جهانی** ترجمه شفق سعد ؛نشر قطره ؛ تهران .

بوزان ، بری .(۱۳۸۸)، **مناطق و قدرت ها ، ترجمه رحمان قهرمان پور** ، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بوزان ، بری .(۱۳۸۸)، **از جامعه بین المللی تا جامعه جهانی** ، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی .

تقوی اصل،سید عطاا..،(۱۳۷۹)، **ژئوپلیتیک جدید ایران از قفقاز تااسیای میانه**، تهران: مرکز چاپ وانتشارات وزارت امر خارجه.

پاپلی یزدی،محمدحسین،(۱۳۸۳)، **خراسان ژئوپلیتیک وتوسعه**، تهران: پژوهشکده امیرکبیر.

حافظ نیا ، محمدرضا ،(۱۳۸۵)، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک** ، تهران: انتشارات پاپلی .

عزتی ، عزت الله .(۱۳۸۲)، **ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم** ، تهران: انتشارات سمت .

عزتی ، عزت الله .(۱۳۸۸)، **جغرافیای استراتژیک ایران**، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

کاظمی ، علی اصغر.(۱۳۸۰)، **جهانی شدن فرهنگ و سیاست** ، تهران: نشر قوس .

کولایی،الهه.(۱۳۸۴)، **باری بزرگ جدید دراسیای مرکزی**، تهران: انتشارات وزارت اموزخارجه .

کوهن ، سوئل .(۱۳۸۷)، **ژئوپلیتیک نظام جهانی** ، ترجمه عباس کاردان ، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

گروسه،رنه .(۱۳۷۵)، **چهره اسیا**، ترجمه غلامعلی سیار،تهران: نشرفرزان.

مجتهد زاده ، پیروز.(۱۳۸۶)، **دموکراسی و هویت ایرانی** ، تهران: انتشارات کویر .

مجتهد زاده ، پیروز.(۱۳۸۱)، **جغرافیای سیاسی سیاست** جغرافیایی ، تهران: انتشارات سمت .

ویلکن،پیتر.(۱۳۸۱)، **اقتصاد سیاسی ارتباطات جهانی وامنیت انسانی**؛ترجمه مرتضی بدرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

هانتگینتون .(۱۳۸۶)، **نظریه برخورد تمدن ها**، ترجمه مجتبی امیری ، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

An analysis of geopolitical factors in the cultural area, Khorasan

Seyed Yahya Safavi[1], Zahra Pishgamifard[2], Hossein Arab[3]

Abstract
same identity in double recognize political boundaries. It seems that although political boundaries drawn by the sovereignty of the people, human geography, but the borders were still held together and shared ethnicity and culture of the region's roots in common. Of common history funds, can cultural and religiousThe study of library resources and Internet research methods - descriptive analysis has been exploited. result of research shows that these considerations can lead to convergence in the region provide. the same time global and regional powers in this area is the confluence of geopolitical strategy.

Keywords
Khorasan regional powers and global geopolitical factors

[1] Professor University of Imam Hossein
[2] Associate Professor, University of Tehran
[3] PhD student in political geography, Tehran, Islamic Azad University